

دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران؛ زمینه‌ها و چالش‌ها^۱ (با تأکید بر پنج شاخص جهانی شدن اقتصاد)

دکتر سیدجلال دهقانی فیروزآبادی* و مختار صالحی**

تاریخ پذیرش: ۲۷ دی ۱۳۹۱

تاریخ دریافت: ۲۴ مهر ۱۳۹۱

گسترش بازارهای جهانی و ارتباط روزافزون بین کشورهای مختلف باعث شده است که محیط تجاری بسیاری از فعالیتهای اقتصادی با تغییر و تحولات زیادی روبه رو شود. در این شرایط، مفاهیم دیپلماسی اقتصادی از اهمیت بسزایی برخوردار است، به گونه‌ای که در دوران حاضر ایجاد فضای لازم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از جمله شرایط الزامی بستر تعامل با اقتصاد جهانی را تشکیل داده است. در این مقاله به این سؤال پرداخته می‌شود که زمینه‌ها، موانع و چالش‌های جایگاه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی ایران کدامند؟ در پاسخ به پرسش، جایگاه آماری اقتصاد ایران در شاخص‌های پنج‌گانه جهانی شدن اقتصاد یعنی آزادسازی اقتصادی، خصوصی‌سازی، رقابت‌پذیری، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و گسترش تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی، استخراج شده و براساس نرم‌افزار Excel و تبدیل آن به نمودار و اطلاعات، تأثیر آن بر کارکرد دیپلماسی اقتصادی تجزیه و تحلیل می‌گردد. از این رهگذر سعی شده از طریق این شاخص‌ها، چالش‌های سه‌گانه فراوری دیپلماسی اقتصادی یعنی تقابل سیاست و اقتصاد، تقابل دولت و بازیگران غیردولتی و تقابل عرصه داخلی و بین‌المللی با نگاه آماری به تصویر کشیده شود و این واقعیت که میان این پنج شاخص و جایگاه دیپلماسی اقتصادی ارتباط مستقیم وجود دارد، تبیین گردد.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری «جایگاه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» با راهنمایی آقای دکتر سیدجلال دهقانی فیروزآبادی است.

jdehghani20@yahoo.com

* استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

salehi321@gmail.com

** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

واژه‌های کلیدی: جهانی شدن اقتصاد، دیپلماسی اقتصادی، آزادسازی اقتصادی، خصوصی‌سازی، رقابت‌پذیری، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی.

طبقه‌بندی JEL: F6، F68، L33.

۱. مقدمه

گسترش بازارهای جهانی و ارتباط روزافزون بین کشورهای مختلف باعث شده است که محیط تجاری بسیاری از فعالیتهای اقتصادی با تغییر و تحولات زیادی روبرو شود و این همان مفهومی است که با فرآیند جهانی شدن اقتصاد ارتباط تنگاتنگ دارد. در این شرایط مفاهیم دیپلماسی اقتصادی از اهمیت بسزایی برخوردار است به گونه‌ای که در دوران حاضر ایجاد فضای لازم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از جمله شرایط الزامی بستر تعامل با اقتصاد جهانی را تشکیل داده و کشورهای مختلف نیز تلاشهای زیادی را در این زمینه انجام داده‌اند. به همین دلیل است که امروزه مفهوم دیپلماسی اقتصادی مفهومی غالب در عرصه اقتصاد بین‌الملل بشمار می‌رود. اقتصاد جمهوری اسلامی ایران در شرایطی قرار دارد که پس از چندین دهه نگاه درون‌گرا و استفاده از استراتژی «جایگزینی واردات» در توسعه اقتصادی، تلاش نموده رویکرد «توسعه صادرات» و تعامل بیشتر با اقتصاد جهانی را در پیش گیرد. این امر اهمیت دیپلماسی اقتصادی در اقتصاد ملی و سیاست خارجی را بیش از پیش نمایان می‌سازد. در پیش گرفتن رویکرد توسعه صادرات و توجه به اقتصاد جهان همزمان نیازمند تحلیل جایگاه اقتصاد در سطح جهانی است. جدای از تأکید بر پتانسیل‌ها و چالشهایی که از سوی صاحبانظران و متخصصین اقتصادی و سیاسی در داخل مطرح است، تأکید و استناد بر آمارها و اطلاعات جهانی در مورد جایگاه اقتصاد ایران، گویای نگاه ژرف و جامع به تحولات فراروی دیپلماسی اقتصادی نیز است.

اما این مفهوم زمانی می‌تواند در سیاست خارجی بکار گرفته شود که در وهله اول باید چالشهای سه‌گانه فراروی خود را مدیریت و رفع نماید. سه چالش عبارتند از تقابل میان سیاست و اقتصاد، تقابل میان دولت و بازیگران غیردولتی و در نهایت تقابل میان عرصه داخلی و عرصه بین‌المللی. کاهش هر کدام از این سه تقابل می‌تواند زمینه‌های ارتقای جایگاه دیپلماسی اقتصادی را فراهم نماید. در این تحقیق برای بررسی این چالشهای سه‌گانه در برابر جایگاه دیپلماسی

اقتصادی، از پنج شاخص جهانی شدن اقتصادی استفاده گردیده است. شاخصهایی که هر کدام نمایانگر یک، دو و یا هر سه چالش فوق هستند و به صورت عینی می‌توان با زبان آمار آنها را به اثبات رساند. در نهایت در این تحقیق تلاش شده تا با کمک شاخص‌ها و معیارهای اصلی جهانی شدن و اقتصاد بازار، جایگاه اقتصاد ایران در آنها اندازه‌گیری شده و با کشورهای هم‌تراز در منطقه و همچنین کشورهای توسعه‌یافته مورد مقایسه قرار گیرند. از این رهگذر سعی شده است تا چالش‌ها، مشکلات اصلی، شرایط و واقعیت‌های فراروی جایگاه کلان دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را با تحلیل جایگاه آن در شاخصهای جهانی شدن اقتصاد اندازه‌گیری نمایم.

۲. استراتژی پژوهشی و روش تحقیق

در این مقاله بر آن هستیم تا نسبت و رابطه مستقیم جایگاه دیپلماسی اقتصادی را با شاخصهای پنجگانه جهانی شدن اقتصاد یعنی آزادسازی اقتصادی، خصوصی‌سازی، رقابت‌پذیری، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و گسترش تکنولوژیهای اطلاعاتی و ارتباطی، کشف و تجزیه و تحلیل نمایم. به همین منظور از استراتژی پژوهشی استقرایی و قیاسی برای فهم چالشها و فرصتهای دیپلماسی اقتصادی استفاده گردیده است. در ابتدا براساس این دو استراتژی، جایگاه اقتصاد جمهوری اسلامی ایران در هر کدام از شاخصهای پنجگانه فوق از طریق دسترسی و دریافت آمار و داده‌های موثق از نهادهای جهانی استخراج گردید. سپس با بررسی و تحلیل آمارها و مقایسه آنها با یکدیگر نسبت هر کدام با جایگاه دیپلماسی اقتصادی مشخص گردیده و چالشها و فرصتهای فراروی دیپلماسی اقتصادی با رویکرد آماری و عینی و تبدیل آنها با اطلاعات شناسایی گردید. لذا در قالب این دو استراتژی در مرحله اول دریافت آمار از نهادهای اقتصادی و مالی بین‌المللی در دستور کار قرار گرفت و در مرحله دوم در قالب استراتژی پژوهشی قیاسی، تحلیل و مقایسه آنها نیز صورت پذیرفت.^۱

در واقع هدف اصلی و ابداع صورت گرفته در این تحقیق نسبت به دیگر تحقیقات انجام شده در مورد دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران این است که نخست مقالات و کتابهایی که در مورد دیپلماسی اقتصادی نگاشته شده‌اند هیچکدام به این موضوع نپرداخته‌اند که در قالب آمار و داده‌های نهادهای بین‌المللی اقتصادی، دیپلماسی اقتصادی با چه چالشهایی مواجه است. بلکه

تحقیقات صورت گرفته، بیشتر بر نگاه صاحب‌نظران داخلی تأکید شده و به گزارشهای داخلی و دولتی استناد نموده و فضای بیرونی دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران تاکنون به صورت کلی به تصویر کشیده نشده است. دوم، در کارهای تحقیقاتی انجام شده، بیشتر بر لزوم بکارگیری و استفاده از دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی سخن رانده شده و کمتر به این موضوع پرداخته‌اند که اگر دیپلماسی اقتصادی بخواهد در سیاست خارجی نقش محوری ایفا نماید چه چالش‌هایی فراروی آن وجود دارد و از نگاه متخصصین اقتصادی بیرونی دیپلماسی اقتصادی ایران از چه موقعیت و شرایطی برخوردار است. سوم، تاکنون در اکثر مطالعات، جایگاه دیپلماسی اقتصادی در یک موضوع خاص و یک دوره زمانی چند ماهه بررسی شده و تحلیل و شمای کلی از دیپلماسی اقتصادی بخصوص از زمان لزوم توجه به اقتصاد جهانی از برنامه‌های سوم توسعه اقتصادی به بعد انجام نشده است، در نهایت، بر آن هستیم تا این نکته را با تحلیل آماری بیان کنیم که دیپلماسی اقتصادی جدای از اینکه می‌تواند شرایط بین‌المللی را برای حضور ایران در اقتصاد جهانی فراهم نماید، در ادامه خود نیازمند شرایطی است که بتواند تداوم پیدا کند. زمینه‌های جایگاه دیپلماسی اقتصادی در قالب پنج شاخص به عنوان واقعیت‌های فراروی جایگاه دیپلماسی اقتصادی مورد توجه قرار گرفته شده است. هر چقدر جایگاه آماری ایران در این پنج شاخص افزایش پیدا کند زمینه ارتقای جایگاه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی ایران نیز فراهم می‌شود.

این نکته‌ای است که تلاش شده در این مقاله به اثبات برسد. به عبارت دیگر بیشتر از اینکه ما بر لزوم و باید و نباید در استفاده از دیپلماسی اقتصادی اصرار ورزیم، لازم است واقعیت‌های آماری جایگاه دیپلماسی اقتصادی را تبیین نماییم. در ذیل دو استراتژی استقرایی و قیاسی، از نرم‌افزار Excel استفاده گردید. کاربرد این نرم‌افزار در تبدیل داده‌ها و آمار به اطلاعات است. به عبارت دیگر از طریق استفاده از این نرم‌افزار به آمارهای دریافتی معنا و مفهوم داده می‌شود. لذا در قالب این نرم‌افزار نمودارهای هر کدام از شاخص‌های پنجگانه استخراج گردید و به ما برای فهم شناخت شمای کلی از جایگاه دیپلماسی اقتصادی کمک می‌نماید.

تاکنون در ادبیات موجود درباره دیپلماسی اقتصادی از این روش برای تبیین و دریافت شمای کلی دیپلماسی اقتصادی استفاده نشده و قالب تحقیقات به توصیف و مباحث نظری و اسنادی و کتابخانه‌ای اکتفا نموده‌اند. در نهایت با این روش و با به تصویر کشیدن واقعیات آماری فراروی

دپلماسی اقتصادی، نگارندگان تلاش داشته‌اند تا نخبگان تصمیم‌گیرنده را به این نکته رهنمون سازند که دپلماسی اقتصادی و زمینه‌های کاربرد آن در جمهوری اسلامی ایران در طول دوره‌های مختلف سیاست خارجی چگونه بوده و از چه چالش‌هایی رنج می‌برد.

۳. چارچوب مفهومی: دپلماسی اقتصادی

همانطور که اشاره گردید، در عصر جهانی شدن اقتصاد، موضوعات، سطوح، کارکردها و کارگزاران، دپلماسی متنوع گردیده است. در سطح کارگزار، دپلماسی و دیپلمات دیگر محدود و محصور به دولتها نیست. بلکه دیگر بازیگران غیردولتی فراملی و فراملی نیز در معادلات دیپلماتیک ظهور نموده‌اند که لازم است به آنها توجه شود. در ارتباط با موضوعات فراروی دپلماسی نیز، در کنار موضوعات سیاسی و امنیتی، موضوعات اقتصادی از اهمیت برخوردار گردیده و تعاملات اقتصادی نه به صورت واکنشی و در راستای اهداف سیاسی بلکه به صورت ابتکاری و برای رفاه و پیشرفت اقتصادی جامعه مورد توجه قرار گرفته است. هرچند اقتصاد و به خصوص امور بازرگانی از جمله دغدغه‌های دولتها بوده و منافع تجاری و سیاستهای تجاری همواره از جمله مهمترین اهداف در تعاملات دیپلماتیک میان دولتها بوده است.^۱ در موضوعات حاکم بر سیاست خارجی موضوعات اقتصادی نیز از اهمیت برخوردار گردیده و لازم است که ابزار متناسب با آن مورد توجه قرار گیرد. در واقع دولتها متناسب با شرایطی که در آن حضور دارند برای مدیریت هرگونه تحولاتی که ممکن است بر سرنوشت آنها تأثیرگذار باشد نیازمند اتخاذ اقدامات دیپلماتیک برای تعامل با دیگر بازیگران هستند. دولتها نمی‌توانند نسبت به شرایطی که ممکن است تأثیرات عمده بر آنها داشته باشد بی‌تفاوت بوده و انزواگرایی را دنبال نمایند.^۲ بنابراین، امروزه تدبیر و تنظیم روابط و امور اقتصادی - بازرگانی به عنوان یکی از مهمترین ابعاد و وجوه دپلماسی اقتصادی در قالب دپلماسی اقتصادی و بازرگانی امری ضروری و حیاتی است. دپلماسی اقتصادی نقطه تلاقی دپلماسی و فعالیتهای اقتصاد ملی و بین‌المللی است و فصل مشترک بین منافع اقتصاد ملی و سایر منافع سیاسی امنیتی و فرهنگی کشور در سطح نظام اقتصاد سیاسی جهانی است.^۳

1. Bartson (1998)

2. Watson (1984)

دیپلماسی اقتصادی مرتبط با موضوعات سیاسی اقتصادی است. دیپلماتهای فعال در این حوزه، در نهادها و سازمانهای بین‌المللی همچون سازمان تجارت جهانی فعالیت دارند. آنها در طول فعالیتهای خود اقدامات زیادی را انجام می‌دهند. از جمله اینکه سیاستهای اقتصادی را در کشورهای خارجی کنترل و گزارش می‌دهند، به حکومتها و نمایندگیهای داخلی خود توصیه‌های لازم را می‌نمایند که چگونه می‌توانند تأثیرگذاری بیشتری را داشته باشند. دیپلماسی اقتصادی همچنین منابع اقتصادی را هم به عنوان مجازات اقتصادی و یا پادشاهای اقتصادی در تعقیب اهداف ویژه اقتصادی سیاست خارجی بکار می‌برند^۱ که کاربرد دیپلماسی به عنوان ابزاری برای تشویق و یا تهدید در عرصه اقتصاد بین‌الملل را می‌توان اقتصاد ابزاری^۲ در دستان دولت نامید.^۳

دیپلماسی اقتصادی مرتبط با موضوعات اقتصادی به عنوان ابزاری برای سیاست خارجی است. به طور خاص دیپلماسی اقتصادی مرتبط با بکار بردن تواناییهای مادی از جمله تکنولوژی و پول و مذاکرات در مورد مسائل سیاسی با ابعاد اقتصادی از قبیل توافقات تجاری دوجانبه و چندجانبه در تعقیب منافع ملی است.^۴ در این ارتباط دیپلماسی اقتصادی را می‌توان دو معنا از آن برداشت نمود. ۱- دیپلماسی مرتبط با موضوعات سیاسی اقتصادی است. ۲- دیپلماسی، منابع اقتصادی را هم به عنوان پاداش به کار می‌گیرد و هم به عنوان مجازات برای تأمین اهداف سیاست خارجی. در واقع دیپلماسی اقتصادی در کنار کاربرد در سیاست خارجی برای اهداف سیاست داخلی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. دیپلماسی اقتصادی تنوعی از ابزار که هم به طور مستقیم و هم غیرمستقیم در تعاملات دیپلماتیک میان بازیگران بکار گرفته می‌شود. این امر در مواردی همچون سیاست هویچ و چماق نیز گنجانیده می‌شود.^۵

همانطور که اشاره گردید در تقسیم‌بندی که از دیپلماسی با موضوعات اقتصادی در عصر جهانی شدن به عمل آمد، دیپلماسی اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته و با سطح بالای تعاملات تجاری به شاخه‌های تخصصی و جزئی‌تر نیز تقسیم گردیده است. لذا دیپلماسی اقتصادی مفهومی عام بوده که تمامی موضوعات اقتصادی سیاسی میان کشورها را در بر می‌گیرد. در این مقاله منظور از دیپلماسی اقتصادی تلفیقی از تمامی فعالیتهای اقتصادی سیاسی است که در همه انواع دیپلماسی اقتصادی در پیش گرفته می‌شود. به عبارت دیگر دیپلماسی اقتصادی و بازرگانی به عنوان مفهوم

1. Saner and Yiu (2002)

2. Economic Statecraft

3. Baldwin (1985)

4. Kumar Dahal (2008)

5. Hegimans (2009)

اصلی در مقاله انتخاب گردیده و دیگر شاخه‌های دپلماسی در زیر این دو مفهوم معنا می‌گیرند.

هرچند جایگاه دپلماسی اقتصادی همچون دپلماسی بازرگانی است، اما بطور کامل یکی نیستند^۱ بلکه دپلماسی بازرگانی دارای چشم‌انداز محدودتری از دپلماسی اقتصادی است و دپلماسی اقتصادی نگاه کلان‌تری به تعاملات اقتصادی دولتها با دیگر دولتها دارد.^۲ در یک تقسیم‌بندی دپلماسی اقتصادی را متناسب با نقش و کارکرد آن می‌توان به دو دسته دپلماسی دولتی و دپلماسی غیردولتی، تقسیم نمود.^۳

نقش‌های متنوع دپلماسی (اقتصادی) در عصر جهانی شدن

کارکردها	بازیگران	
دپلماسی اقتصادی	دپلمات‌های اقتصادی	نقش‌های دولتی
دپلماسی بازرگانی	دپلمات‌های بازرگانی	
دپلماسی شرکتی	دپلمات‌های شرکتی	نقش‌های غیردولتی
دپلماسی تجاری (کسب و کار)	دپلمات‌های تجاری (کسب و کار)	
دپلماسی سازمان‌های غیردولتی ملی	دپلمات‌های سازمان‌های غیردولتی ملی	
دپلماسی سازمان‌های غیردولتی فراملی	دپلمات‌های سازمان‌های غیردولتی فراملی	

دپلماسی بازرگانی^۴ حمایت از بخشهای تجاری و مالی کشور را بر عهده دارد. از جمله وظایف دپلمات‌های مرتبط با این حوزه، ارتقای سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، باز کردن بازارهای خارجی برای شرکتهای کشور خود از طریق اعمال نفوذ در اقتصاد سایر کشورها و به وسیله تسهیل ورود شرکتهای کشور خویش در بازارهای خارجی، تلاش در حل و فصل تعارض منافع با سهامداران غیرتجاری و تجاری در سایر کشورها، تأمین اطلاعات درباره فرصتهای سرمایه‌گذاری و صادرات و سازماندهی برای اقدام به عنوان میزبان نمایندگان تجاری، ارتقای

1. Mercier (2007)

2. Kopp (2004)

3. Saner and Yiu (2002)

4. Commercial Diplomacy

پیوندهای اقتصادی از طریق مشاوره و حمایت از شرکتهای داخلی و خارجی، ارتقاء و تقویت نمایندگیهای تجاری در کشورهای شریک است.^۱

دیپلماسی شرکتی^۲ شامل دو نقش سازمانی است که برای هماهنگی موفق یک شرکت فراملیتی ضروری است. یک مدیریت واحد تجاری کشور باید بتواند در دو فرهنگ عمل کند. اول، فرهنگ واحد تجاری و دوم، فرهنگ شرکتی که معمولاً به شدت متأثر از ملیت شرکت فراملی است. نقش دوم مربوط به دیپلمات شرکتی است که متأثر از فرهنگ شرکتی چندگانه با فرهنگ و سوابق کاری مختلف و متنوع و مجرب در زندگی و کار در انواع فرهنگهای خارجی است.^۳

از اهداف دیپلماسی تجاری (کسب و کار)^۴ ایجاد محیط خارجی در زمینه‌های فرعی برای فعالیتهای اقتصادی مناسب است. دیپلماسی کسب و کار مرتبط است با مدیریت میان‌کمپانی‌های جهانی و هم‌تایان غیرتجاری چندگانه و نهاد حوزه‌های خارجی. برای نمونه به نظر می‌رسد کمپانی‌های جهانی به بخشهای چندگانه قانونی داخلی و توافقات چندگانه که بوسیله سازمان تجارت جهانی دیپلماتهای کسب و کار با دستگاههای کشور میزبان مذاکره می‌کنند و با بازیگران غیردولتی و ملی و فراملی که دستورالعمل‌های داخلی و جهانی را تحت نفوذ قرار می‌دهند. در سطح شرکتی، آنها به تعریف استراتژی کسب و کار و سیاستهای مرتبط با انتظارات سهامداران کمک می‌نمایند و روابط دوطرفه و چند جانبه را در مذاکرات هدایت می‌کنند، کمپین‌های روابط عمومی بین‌المللی را هم‌گرا می‌کنند، اطلاعات را از کشورهای میزبان و جوامع بین‌المللی گردآوری و تجزیه و تحلیل می‌نمایند.^۵

دیپلماسی سازمانهای غیردولتی ملی، بیانگر منافع و علایق جامعه مدنی در حوزه اقتصادی سیاسی هستند و طیفی از مسائل نظیر دفاع از مصرف‌کننده و مبارزه با فساد اقتصادی تا حمایت از گروههای سهامدار و طرفداران محیط زیست را در بر می‌گیرد. آنها طرفدار ایجاد ائتلاف با سایر سازمانهای غیردولتی و نمایندگان جامعه مدنی و نیز حامی بکارگیری رسانه‌ها و اقدام سیاسی مستقیم برای لابی در برابر حکومت و شرکتهای فراملی در سطح ملی است.^۶

1. Kostecki and Naray (2007)

2. Corporate Diplomacy

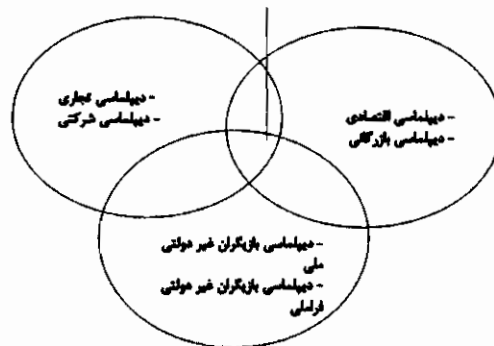
3. Saner and Yiu (2002)

4. Business Diplomacy

5. Saner and Yiu (2002)

دیپلماسی سازمانهای غیردولتی فراملی، متولی سازماندهی رویدادها، حمایت، دفاع و لابی کردن در سطوح فراملی است. نمایندگان سازمانهای غیردولتی فراملی در سطح بین‌الملل عمل کرده و شامل سازمانهایی چون صلح سبز هستند که برای نمونه در برابر سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی ائتلاف ایجاد می‌کنند. در واقع تلاش می‌کنند تا از طریق لابی، خواست‌های خود را در ارکان قاعده‌ساز بین‌الملل اعمال کنند.^۱ به نظر نگارنده با وجود تعاریف و تقسیم‌بندیهای متفاوتی که از دیپلماسی اقتصادی صورت گرفته است، دیپلماسی اقتصادی را می‌توان اینگونه تعریف نمود: «تمامی فعالیت‌ها و استراتژی‌ها و ابتکارات فعال اقتصادی- سیاسی دولتی و غیردولتی که در سیاست خارجی کشورها در دو سطح ملی و بین-المللی با هدف دستیابی و حضور در عرصه اقتصاد جهانی و جمع‌آوری و تجزیه تحلیل اطلاعات برای عرصه داخل بکار گرفته می‌شود را می‌توان دیپلماسی اقتصادی تعریف نمود. به عبارت دیگر دیپلماسی اقتصادی موضوعات سیاسی اقتصادی را در بر می‌گیرد که برای تأمین منافع ملی کشور در عرصه بین‌الملل بکار گرفته می‌شود. حتی ممکن است در برخی مواقع از دیپلماسی اقتصادی به عنوان ابزار تشویق و ترغیب یا مجازات اقتصادی دیگر بازیگران دولتی و غیردولتی تحت عنوان اقتصاد ابزاری در دستان دولت بکار گرفته شود.»

دیپلماسی اقتصادی - بازرگانی



با توجه به تعریف فوق، دیپلماسی اقتصادی همواره از سه چالش اصلی رنج می‌برد. دیپلماسی اقتصادی در طول مراحل تصمیم‌گیری و انجام اقدامات لازم معمولاً در سه سطح با چالشهای

عمده‌ای مواجه است که نسبت به کشورها، نوع و میزان این چالشها متفاوت است. در این جا سه چالش به عنوان شاخصهای اولیه برای تحلیل جایگاه دیپلماسی اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرند:^۱

- چالشهای میان اقتصاد و سیاست: در این سطح از چالش دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی، کشور با دو تناقض روبرو است. اینکه اولویت در اهداف سیاست خارجی باید به اقتصاد داده شود یا موضوعات سیاسی. هر کدام از اولویتها در سیاست خارجی سازوکارهای متفاوتی را می‌طلبد. حتی اگر موضوعات اقتصادی در جهت گیری سیاست خارجی در اولویت قرار گیرد سؤال این است که چه سازوکارهایی باید برای دیپلماسی اقتصادی در پیش گرفته شود تا کمترین چالش بوجود آید. در این چالش معمولاً تعاملات اقتصادی با دیگر کشورها براساس روابط و رویکرد سیاسی بر سیاست خارجی برقرار می‌شود و این اقتصاد است که دنباله‌روی موضوعات و مسائل سیاسی است.
- چالشهای میان دولت و بازیگران غیردولتی: دولتها متأثر از گسترش فرآیند جهانی شدن اقتصاد در کنار خود بازیگران جدیدی را مشاهده می‌کنند که مجبور هستند با آنها در موضوعات بین‌المللی و داخلی همکاری نمایند. اما در این همکاری و تعامل میان دولت و بازیگران غیردولتی فراملی و فراملی همواره چالشهایی بوجود می‌آید که بر دیپلماسی اقتصادی نیز تأثیرگذار است. در شرایط کنونی در دیپلماسی اقتصادی بازیگران غیردولتی نیز می‌توانند از جایگاه عمده‌ای برخوردار باشند اما اگر بازیگران غیردولتی با دولت در امر اتخاذ سیاستها و اقدامات مناسب با چالش و تناقض روبرو شوند، بر کارایی دیپلماسی اقتصادی نیز تأثیرگذار هستند.
- چالشهای میان عرصه داخل و عرصه بین‌الملل: در نهایت چالش دیگری که تأثیرگذاری عمده‌ای بر کارایی دیپلماسی اقتصادی و کارآمدی دیپلمات اقتصادی بر جای می‌گذارد این است که جهت گیری دیپلماسی اقتصادی بایستی عرصه بین‌المللی داشته باشد و یا عرصه داخلی. به عبارت دیگر دیپلماسی اقتصادی از دو استراتژی جایگزینی واردات و یا افزایش صادرات در عرصه بین‌الملل تأثیر می‌پذیرد.

همانطور که گفته شد در قالب پنج شاخص مطرح در اقتصاد بازار و جهانی شدن اقتصادی می‌توان چالشهای فراوی دیپلماسی اقتصادی را از طریق داده‌ها و اطلاعات آماری تحلیل نمود و

هر کدام از شاخص‌هایی که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند بر سه چالش مطرح فراروی دیپلماسی اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار هستند.

۴. جایگاه دیپلماسی اقتصادی در قالب شاخص‌های جهانی شدن اقتصاد - آزادسازی اقتصادی^۱

از سال ۱۹۹۶ تاکنون گزارشهای زیادی در مورد میزان آزادسازی اقتصادی جهان اعلام گردیده است که میزان ثبات سیاست‌گذاریهای ملی در امر آزادسازی اقتصادی را اندازه‌گیری می‌کنند. مفهوم آزادسازی اقتصادی را در معنای متفاوتی بکار می‌برند. در این زمینه عناصر اصلی در بردارنده این مفهوم عبارتند از:

۱. انتخاب فردی
۲. مبادلات داوطلبانه و هماهنگ با بازارها
۳. آزادی ورود به رقابت در بازارها
۴. حمایت از اشخاص و داراییهای آنها از تجاوز دیگران
۵. دسترسی به پول سالم^۲

برخی معتقدند، کشورها برای اینکه بتوانند به سطح بالایی از EF برسند بایستی تلاش کنند حمایت کامل و لازم را از بخش خصوصی و مالکیت خصوصی فراهم نمایند. اجرای منصفانه قراردادهای، محیط پولی باثبات، همچنین کاهش موانع تجاری داخلی و بین‌المللی و تمرکز و تأکید بیشتر بر روی فرایندهای بازار به جای فرایندهای سیاسی برای انباشت کالا و منابع از جمله این حمایتها است.^۳ هر کدام از موارد فوق به نوعی در تعیین میزان جایگاه دیپلماسی اقتصادی نیز نقشی تعیین‌کننده دارد. به عبارت دیگر زمانی دیپلماسی اقتصادی می‌تواند قوی باشد که شرایط لازم در آزادسازی اقتصادی نیز فراهم باشد. در واقع آزادی مالکیت افراد بر رفتارهای خود در امر تعاملات اقتصادی، همان آزادسازی اقتصادی است. زیرا افراد حق دارند که چگونه از استعدادها و وقت خود بطور مناسب و مقتضی استفاده نمایند و در مقابل نیز حق ندارند از حقوق و استعدادها و وقت دیگران در راستای منافع خود استفاده نمایند و حتی حق ندارند که از دیگران این انتظار را داشته باشند که منابع و یا وقت و یا استاد لازم را برای آنها فراهم کنند. آنها با اتکای به خود و حمایتهای

1. Economic Freedom (EFW)

2. Kešeljević (2007)

3. Economic Freedom of the World: Annual Report (2010)

حداقلی دولت‌ها در عرصه تجارت گام برداشته و به تجارت دست می‌زنند.^۱ برخی دیگر نیز آزادسازی اقتصادی را به معنای فقدان اجبار دولت و یا محدودیت در امر تولید توزیع و مصرف کالاها و یا خدمات فراتر از احتیاجات ضروری برای شهروندان برای اینکه بتوانند آزادی خودش را محفوظ نمایند، تفسیر می‌کنند. با این همه شاخصهای جهانی شدن اقتصاد را می‌توان به چهار دسته کلی تقسیم‌بندی نمود:^۲

۱. حاکمیت قانون (مالکیت معنوی^۳، رهایی از فساد^۴)
۲. دولت حداقل (آزادسازی مالی^۵، هزینه‌های دولت^۶)
۳. کارایی مقررات (آزادی کسب و کار^۷، آزادی در نیروی کار^۸، آزادی پولی^۹)
۴. بازار آزاد (آزادی تجارت^{۱۰}، آزادی سرمایه‌گذاری^{۱۱}، معافیت مالی^{۱۲})

اما آزادسازی اقتصادی را در معنای کلی آن می‌توان در برگرفتن همه آزادی‌ها و حقوق تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات دانست. شکل عالی آزادسازی اقتصادی فراهم نمودن حقوق مطلق حق مالکیت و تشخیص آزادی جابجایی نیروی کار، سرمایه، کالا و فقدان کامل اجبار و محدودیتهای آزادی اقتصادی فراروی ضرورت‌های وسیع برای شهروندان در راستای حمایت و حفظ حقوق شهروندی آنها است.^{۱۳} با این تعریف، آزادسازی اقتصادی به معنای آناارشی و هرج و مرج در رفتار اقتصادی دولت‌ها نیست بلکه به معنای خودمختاری در انجام امور اقتصادی دیگر بازیگران در کنار دولت‌ها است. ۱۰ متغیر تشکیل‌دهنده شاخص آزادی اقتصاد در ذیل آورده شده که وضعیت ایران در هر یک از این متغیرها بررسی می‌شود.^{۱۴} لازم به یادآوری است رتبه هر کشور در متغیرهای ده گانه از ۱۰۰، امتیاز داده شده است. یعنی هرچه وضعیت کشوری در هر یک از این

-
1. Gwartney and Lawson (2002)
 2. Miller, Holmes Feulner (2012)
 3. Property Rights
 4. Freedom from Corruption
 5. Financial Freedom
 6. Gov't Size
 7. Business Freedom
 8. Labor Freedom
 9. Monetary Freedom
 10. Trade Freedom
 11. Investment Freedom
 12. Fiscal Freedom
 13. Miller and Kim (2010)
 14. Roberts (2010)

متغیرها بهتر باشد به عدد ۱۰۰ نزدیک شده و چنانچه وضعیت نامطلوبی داشته باشد به صفر نزدیک می‌شود.^۱

۱. آزادی کسب و کار: آزادی کسب و کار متغیری است متشکل از ده عامل مرتبط با نحوه کسب و کار در یک کشور. این عوامل عبارتند از:

- تعداد مراحل بوروکراتیک در شروع یک فعالیت اقتصادی (همچون تأسیس یک شرکت)
- تعداد روزی که برای شروع یک فعالیت اقتصادی (برای مثال ثبت یک شرکت) صرف می‌شود.
- هزینه شروع یک فعالیت اقتصادی (هزینه‌های اداری)
- تعداد فرایندهای دریافت یک مجوز برای شروع فعالیت اقتصادی
- تعداد روزی که دریافت مجوز نیاز دارد
- تعداد مراحل بوروکراتیک دریافت مجوز
- هزینه دریافت مجوز
- زمانی که برای انحلال فعالیت اقتصادی صرف می‌شود
- هزینه انحلال فعالیت اقتصادی
- نرخ بازگشت سرمایه هنگام انحلال یک فعالیت اقتصادی

۲. آزادی تجارت: این متغیر مربوط به بازگشایی اقتصاد در برابر ورود کالا و خدمات از کل جهان است و توانایی شهروندان در برقراری تعامل با دیگر شهروندان جهان به عنوان خریداران و فروشندگان کالا و خدمات در بازار بین‌المللی است. محدودیتهای تجاری در این چارچوب در امر تعرفه‌هایی است که بر روی صادرات و واردات و ممنوعیت‌ها بر روی تجارت است. این متغیر مربوط است به میزان تعرفه‌هایی که بر واردات کالاهای خارجی اعمال می‌شود. برای محاسبه این متغیر میزان محدودیت تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای مد نظر است. همچنین در این متغیر میزان دسترسی به تکنولوژیهای پیشرفته در امر برقراری تجارت آزاد نیز تأثیرگذار است.

۳. آزادی مالیاتی: این شاخص بر موضوع مالیات تمرکز دارد. مالیات ایزاری است که دولت برای تأمین مخارج خود از آن استفاده می‌کند و فعالیت‌های اقتصادی افراد و شرکت‌ها از آن متأثر می‌شوند. این متغیر شامل سه عامل است:

- حداکثر نرخ مالیات بر درآمد افراد
- حداکثر نرخ مالیات بر بنگاه‌ها

- میزان درآمد دولت از طریق مالیات (درصد از تولید ناخالص داخلی GDP)

۴. مخارج دولت: میزان مخارج دولت (درصد نسبت به GDP) در بسیاری از مطالعات اقتصادی به عنوان یک متغیر واسطه‌ای و معیاری برای سنجش اندازه دولت استفاده می‌شود و زیاد بودن مخارج دولت نسبت به درآمد ملی (G/GDP) نشان‌دهنده بزرگ‌تر بودن اندازه دولت است. در واقع اندازه بزرگ دولت باعث توقف رشد کارایی، افزایش سیستم بوروکراتیک و ناکارآمدی می‌شود. تمایل دولت به در اختیار گرفتن منابع خصوصی، آزادسازی اقتصادی و رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۵. آزادسازی پولی: دو آفت برای بازارهای اقتصادی، دخالت و کنترل دولت در قیمت‌ها و نرخ تورم زیاد است. شاخص آزادی پولی در برگیرنده این دو متغیر است. برای محاسبه این شاخص با استفاده از فرمول‌هایی، میانگین تورم سه سال گذشته و میزان کنترل دولت بر قیمت‌ها محاسبه می‌شود. لذا آزادی پولی، ثبات در تعاملات ارزی و قیمت‌های مبتنی بر بازار معنا پیدا می‌کند.

۶. آزادسازی سرمایه‌گذاری: محیط سرمایه‌گذاری آزاد، فرصت‌های کارآفرینی و انگیزه زیاد برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی، افزایش بهره‌وری و ایجاد شغل را فراهم می‌کند. مزایای این قبیل محیط‌ها فقط به کارپردازان مربوط به محیط برنمی‌گردد بلکه مزایای آن به تمام جامعه برمی‌گردد. چارچوب سرمایه‌گذاری مؤثر بوسیله شفافیت، برابری و حمایت از همه انواع شرکتها به جای برخی شرکتها و تشویق به جای عدم تشویق در رقابت و نوآوریها مشخص می‌گردد. کشوری که سرمایه‌گذاری در آن با حداقل محدودیت‌های قانونی و بوروکراتیک امکان‌پذیر باشد و ورود و خروج سرمایه‌ها در عرصه‌های بین‌المللی بدون محدودیت و به آسانی امکان‌پذیر باشد می‌تواند امتیاز مناسبی برای این شاخص به خود اختصاص دهد.

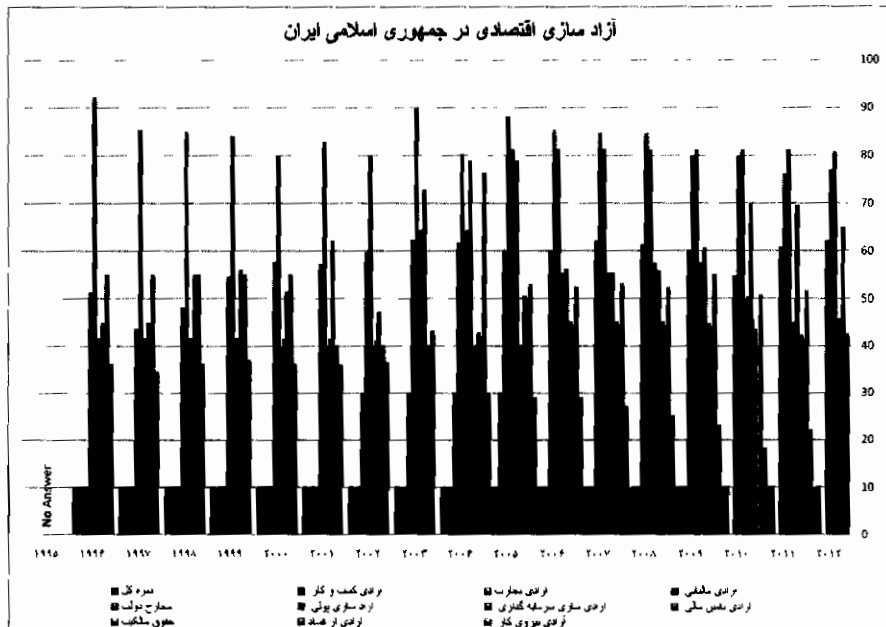
۷. آزادی تأمین مالی: سیستم مالی شفاف و باز، عدالت را در ورود به جریان اعتبارات مالی تضمین می‌کند و کارآفرینی را در این حوزه ارتقاء می‌دهد. سیستم بانکی شفاف و باز محیط رقابتی را ایجاد می‌کند که رقابت را افزایش داده و واسطه‌گری را در میان سهامداران و شرکها و سرمایه‌گذاران و کارآفرینان فراهم می‌کند. در واقع در این زمینه دولت نیز می‌تواند نقش مثبتی را در تنظیم این نهادهای همسو با تضمین شفافیت، افشای داراییها، تواناییها و ریسکها و درستکاری تضمین نماید. مالکیت و کنترل دولتی در بخش بانکداری و بیمه و میزان آزادی مؤسسات مالی در تعیین نحوه تأمین اعتبار از عوامل مؤثر بر تعیین امتیاز برای این شاخص است.

۸. حقوق مالکیت: حمایت از حق مالکیت اشخاص حقیقی و حقوقی دامنه وسیعی دارد و قوانین محدودی از مالکیت‌های فکری حمایت می‌کنند. قانون کپی‌رایت و علی‌الخصوص استفاده وسیع و رایگان از نرم‌افزارها، نقض مالکیت‌های طراحی‌های صنعتی و نشان‌های تجاری و حق مؤلف و حمایت از حقوق مالکیت معنوی نیروی مهم برای تشویق کارگران و سرمایه‌گذاران در اقتصاد بازار است. به رسمیت شناختن حقوق مالکیت خصوصی و با توجه به قوانین کافی در حمایت از آنها، نقش اساسی در ارتقای کارآمدی اقتصادی بازار دارد. این امر به افراد این اعتماد را می‌دهد که اموال و سودهایی که آنها کسب می‌کنند از هرگونه تجاوز و با دزدی در امان باشد که این امر نیازمند داشتن یک دستگاه قضایی کارآمد و فعال برای حمایت از این بخش است. در واقع حمایت و برقراری صلح و امنیت در این زمینه از سوی دستگاه قضاء واجد اهمیت است که این امر نیز مستلزم توجه به اجرای کامل و درست قوانین و قراردادهایی است که در این زمینه امضاء می‌شود.

۹. آزادی از فساد: فساد به عنوان یک امر نادرست و تباه‌کننده شناخته می‌شود. در واقع نبود درستکاری در سیستم به عنوان موضوع فساد شناخته می‌شود. فساد می‌تواند بخشهای مختلف یک اقتصاد را ناکارآمد کند. در واقع یک رابطه مستقیم میان حضور قانونگذاری و مقررات دولت و یا میزان دخالت دولت در فعالیتهای اقتصادی و میزان فساد وجود دارد. تقریباً در تمامی موارد قوانین دولتی فرصت رشاء و ارتشاء را در اقتصاد فراهم می‌کند. به علاوه، مثلاً ایجاد قوانین در حمایت از تولیدات داخل در برابر

کالاهای خارجی باعث می‌گردد تا فرصت افزایش قاچاق و بازار سیاه فراهم گردد. در این زمینه شفافیت بهترین سلاح در مبارزه علیه فساد است

۱۰. آزادی نیروی کار: برای محاسبه این شاخص از متغیرهایی همچون نسبت حداقل دستمزد به میانگین ارزش افزوده هر کارگر، میزان نامناسب بودن ساعات کار، میزان سختی اخراج کارگر اضافی و وجوه پرداختی بابت انفعال از خدمت استفاده می‌شود. میزان آزادی کارگر در انجام کار و جابجایی در انجام کار، در امر آزادی نیروی کار مؤثر است.



<http://www.heritage.org/research/features/index/downloads.cfm> (2012)

نمودار فوق، حجم زیاد دولت در اقتصاد را نشان می‌دهد. بطور مثال در ایران حجم دولت در اقتصاد در بعضی سالها بیش از ۸۰ درصد است که با افزایش قیمت‌های نفت این رقم در حال افزایش است. پیوستن به فرایند جهانی شدن اقتصاد حجم کوچک دولت را توصیه می‌کند. جایگاه ایران با فاصله خیلی زیاد از کشورهای منطقه و حتی جهان است. از طرف دیگر منطق حاکم بر اقتصاد جهانی مبتنی بر توان و تقویت بخش خصوصی و غیردولتی است که در ایران دولت بازیگر

اصلی بوده و دارای قدرت انحصاری نیز است و با منطق‌های حاکم بر جهانی شدن اقتصاد مبتنی بر نیروهای بازار و غیردولتی منطبق نیست. زمانی می‌توان دیپلماسی موفق و کارآمد اقتصادی را در پیش گرفت که بتوان شرایط اولیه برای فعالیت آن را نیز فراهم نمود. آزادسازی اقتصادی به معنای آتارشی و هرج و مرج در رفتار اقتصادی دولتها نیست بلکه به معنای خودمختاری در انجام امور اقتصادی دیگر بازیگران در کنار دولتها است. این معنا از آزادسازی در واقع یادآور مشخصه‌ها و ویژگی‌های دیپلماسی اقتصادی است. دیپلماسی اقتصادی زمانی می‌تواند از جایگاه بهتری در سیاست خارجی برخوردار باشد که در متغیرهای ده گانه فوق جمهوری اسلامی ایران بتواند شرایط مساعدتری را پیدا نماید.

در آمارهای فوق همانطور که مشاهده می‌شود نمره کل جمهوری اسلامی ایران از آزادسازی اقتصادی از سطح میانگین یعنی کمتر از نمره ۵۰ است و این یعنی آزادسازی اقتصادی از جایگاه خوبی برخوردار نیست مثلاً در این آمارها شاخص هزینه و مخارج دولت در ایران از نمره بالایی برخوردار است و یعنی اینکه دولت نقش عمده‌ای را در اقتصاد ایران ایفاء می‌نماید. لذا نقش بالای دولت، یعنی عدم نقش آفرینی بازیگران غیردولتی و نتیجه آن نیز یعنی تداوم چالش تقابل دولت با بازیگران غیردولتی است. تداوم چالش نیز باعث می‌گردد تا دیپلماسی اقتصادی همواره با این چالش روبرو بوده و زمان و فرصت لازم برای ایفاء نقش بهتر برای آن فراهم نگردد.

- جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۱

دومین شاخص برای بررسی میزان کارایی و کارآمدی دیپلماسی اقتصادی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. یک دیپلماسی اقتصادی قوی لازم است که هم زمینه جذب سرمایه‌گذاری خارج را به داخل فراهم نماید و هم اینکه با ورود سرمایه به داخل بتواند زمینه‌های رشد جایگاه خود را نیز هر چه بهتر و بیشتر فراهم نماید. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نوعی از سرمایه‌گذاری است که از سوی تبعه یک کشور (به عنوان سرمایه‌گذار) با هدف دستیابی به سود بلندمدت در یک شرکت (به عنوان شرکت سرمایه‌گذاری مستقیم) که در کشور دیگر واقع شده است صورت می‌پذیرد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، انتقال سرمایه دولتی یا خصوصی از کشوری به کشور دیگر، به منظور بهره‌برداری مستقیم از آن در فعالیتهای اقتصادی است، به نحوی که طرف خارجی در مدیریت فعالیت اقتصادی مورد نظر نقش مؤثری داشته باشد و در سطح شرکتی، به معنای تأسیس شرکت و یا تملک شرکت خارجی با فرض نفوذ مدیریتی در عملیات آن مؤسسه است.

سرمایه‌گذاری خارجی شامل سه جزء «سرمایه سهامی»، «سرمایه‌گذاری مجدد درآمدها» و «وام‌های بین شرکتی» است. از نگاهی دیگر، حجم عظیمی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به روش ادغام و تملک و یا سرمایه‌گذاری در پروژه‌های عمرانی انجام می‌شود.^۱ در واقع منافع بلندمدت در اینجا بیش از هر چیزی اهمیت دارد. جریان آزاد سرمایه، نقش مهمی را در فراهم کردن شرایط لازم برای جهانی شدن بازی کرده است. جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند تأثیرات مثبتی را برای توسعه کشور میزبان با ورود این سرمایه‌ها دربر داشته باشد. علاوه بر جذب سرمایه‌های مالی ذخیره شده در داخل، سرمایه‌گذاری می‌تواند به عنوان منبعی برای ورود تکنولوژی با ارزش و مهم، تجربیات ارزشمند، مهارت‌های مدیریتی، بازاریابی و حضور در بازارهای جهانی باشد که می‌تواند شرکت‌های محلی و داخلی را بیشتر به هم مرتبط نموده و متصل نماید و حتی می‌تواند اقتصاد یک کشور را دوباره احیاء نماید.^۲ بر اساس تحقیقات و آمار ثبت شده بسیاری از تحقیقاتی که در نهادهای مختلف بین‌المللی انجام شده است، گسترش و رشد جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)، نقش مهم و تأثیرگذاری را در جهانی شدن اقتصاد ایفاء نموده و باعث گردیده تا کشورهای در حال توسعه، از آن برای دستیابی به پیشرفت لازم استفاده نمایند.^۳

با توجه به کاهش شدید سرمایه‌گذاری رسمی و دیگر سرمایه‌گذاری‌های خصوصی و به دنبال بحران‌های مربوط به بدهی‌ها، FDI به عنوان یک منبع سرمایه‌گذاری و تأمین بودجه در کشورهای در حال توسعه اهمیت بسیار یافته است. مفهوم آزادسازی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در برگیرنده تدابیری چون برداشتن یا کاهش سدهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، آسان‌سازی مقررات برای بیشتر فعالیت‌های اقتصادی، تکیه بر نیروهای بازار در اقتصاد داخلی و نیز پذیرش استانداردها و قوانین در FDI است. در این زمینه میزان کاهش محدودیتها در جذب سرمایه‌گذاری خارجی از جمله دسترسی محدود به بازارها، میزان اجازه رفتار اقتصادی فراتر از قوانین ملی، محدودیت‌های سهام، محدودیت‌های نظارتی، محدودیت بر روی اشخاص کلیدی و در نهایت دیگر محدودیتها همچون سرزمینی، عکس‌العمل متقابل، بازگشت به وطن، و غیره از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.^۴

۱. فیروزی و باباقادری (۱۳۸۹)

2. OECD benchmark definition of foreign direct investment (2008)

3. Erdilek (2003)

4. Blanka, Palerm and Thomsen (2010)

جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان یک بخش جدایی‌ناپذیر سیستم اقتصادی بین‌المللی باز و مؤثر و کارآمد است و یک عامل مهم در دستیابی به توسعه محسوب می‌گردد. کشورهای در حال پیشرفت، اقتصادهای در حال ظهور و کشورهای دارای اقتصاد در حال گذار تلاش نموده‌اند تا بطور افزایشی و خیلی وسیع از طریق دیپلماسی اقتصادی کارآمد، سرمایه‌های خارجی را در کشور خود جذب نمایند. چرا که این می‌تواند به عنوان یک منبع و موتور رشد و مدرنیزه کردن فضای اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد. تأثیرات کلی این امر برای کشورهای در حال پیشرفت بخوبی قابل اثبات است. تجربیات و آمارهای به ثبت رسیده، نشانگر این است که سرمایه‌گذاری خارجی، ورود تکنولوژیهای جدید و پیشرفته را تسهیل می‌کند^۱، در فرایندهای مرحله‌ای جدید تولیدی، تکنیکها و مهارتهای مدیریتی، ایده‌ها و نوع‌های جدیدی از کالاهای سرمایه‌ای کمک نمایند^۲، به اطلاعات سرمایه انسانی کمک می‌کند، به ادغام در اقتصاد بین‌الملل و نیز به ایجاد یک محیط رقابتی کسب و کار در داخل نیز کمک می‌نماید. همچنین توسعه و پیشرفت بنگاهها و شرکتهای خصوصی را ارتقاء می‌دهد که این امر به نحوه عمده‌ای در جهت کاهش فقر در کشورهای فقیر و در حال توسعه می‌تواند مفید واقع شود. در نهایت این امر می‌تواند شرایط اجتماعی و محیطی مناسب را در کشور میزبان بهبود بخشد.^۳

چنانکه در ادبیات جدید مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی، اهمیت تغییرات تکنولوژیکی اقتصادی بسیار مورد توجه محققین است. سرعت رشد کشورهای در حال پیشرفت و توسعه آنها در شرایط جدید بیشتر به این موضوع بستگی دارد که کدام یک از این کشورها توانسته است تکنولوژیهای جدید در کشورهای توسعه‌یافته را پذیرفته و اجرا نماید.^۴ با پذیرش و ورود این تکنولوژیها و ایده‌ها ممکن است سطوحی از این تکنولوژی را بدست گیرند. یکی از کانالهای مهم که این امر صورت می‌گیرد و از آن طریق می‌توان تکنولوژیهای جدید را بدست آورد از طریق جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است.^۵ در ادامه تلاش شده است تا جایگاه ایران در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مقایسه با کشورهای هم‌تراز از طریق نمودار نشان داده شود.

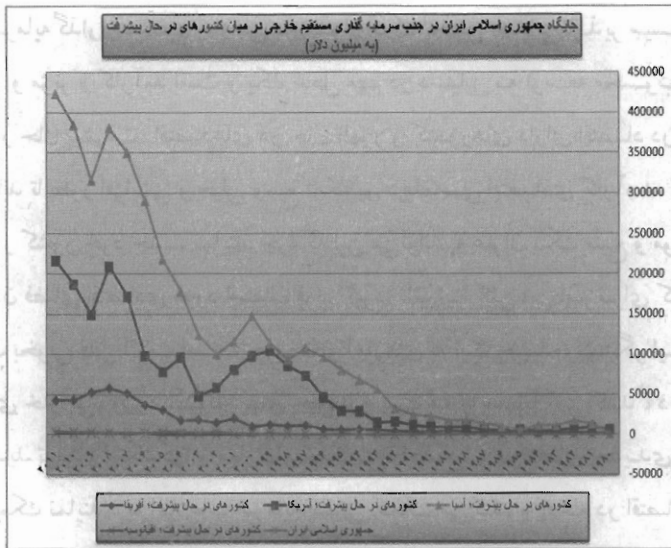
1. Moosa (2002)

2. Mooran (1998)

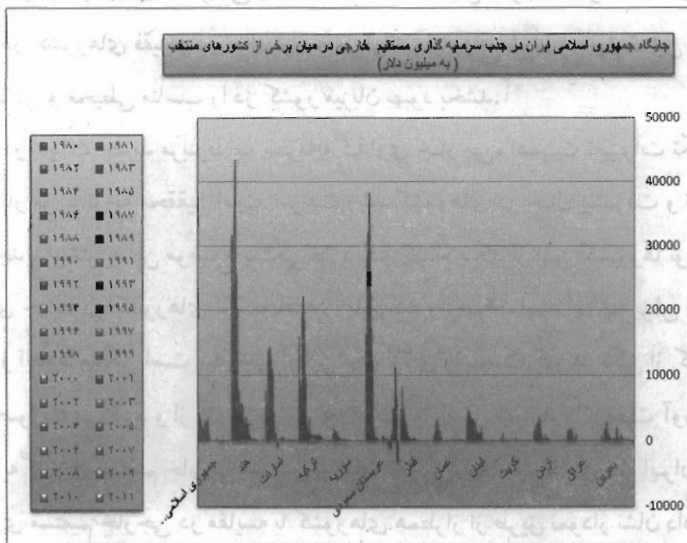
3. OECD Report (2002)

4. Kumar (1998)

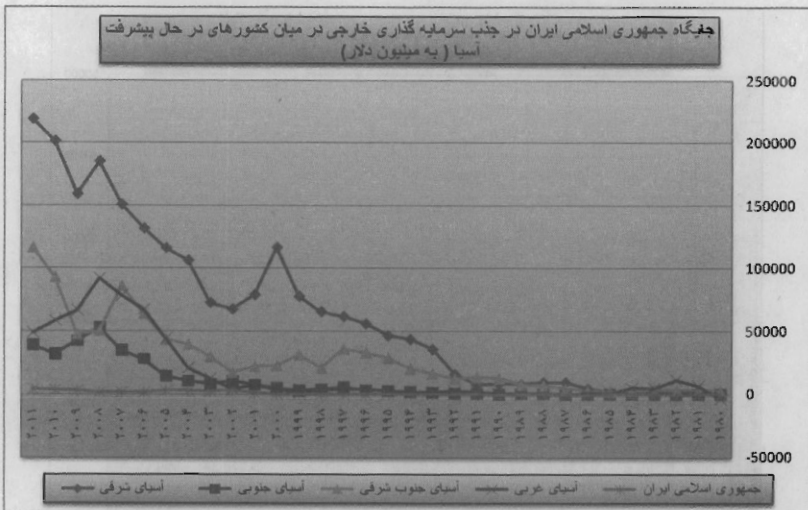
5. Hermes and Lensink (2003)



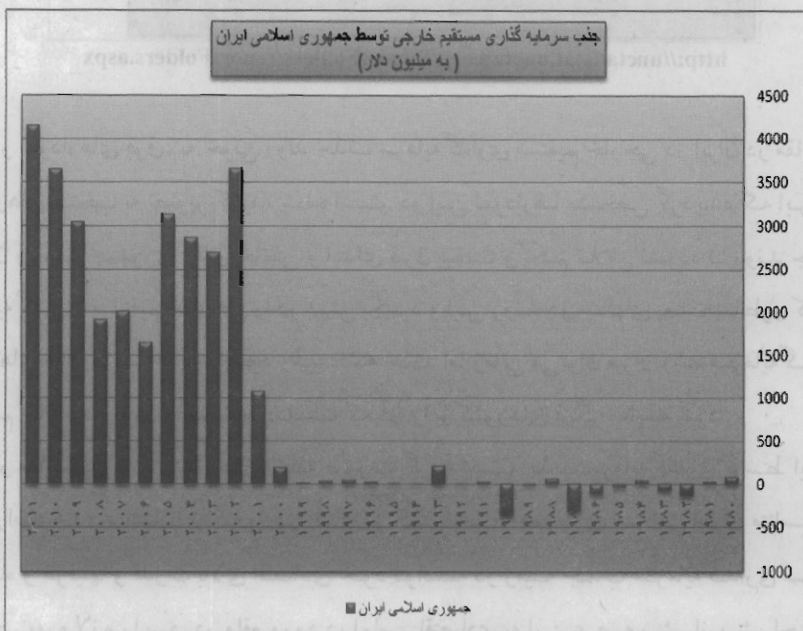
<http://unctadstat.unctad.org/ReportFolders/reportFolders.aspx>



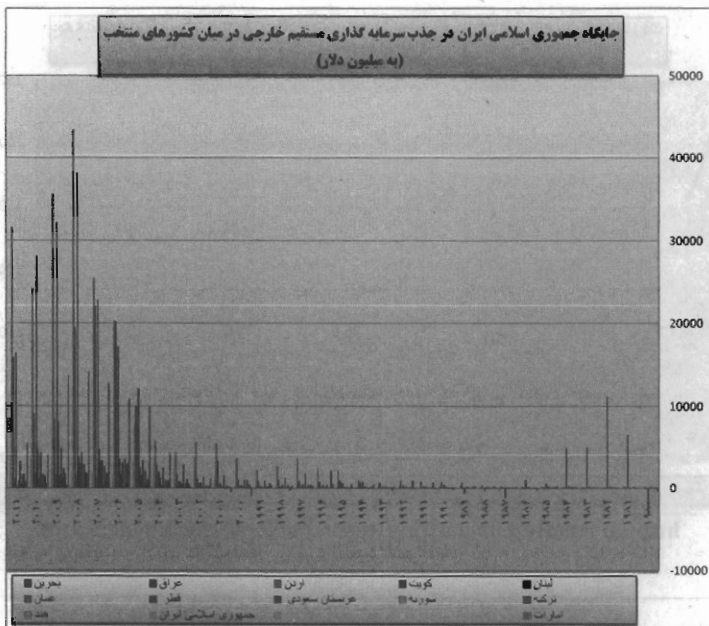
<http://unctadstat.unctad.org/ReportFolders/reportFolders.aspx>



<http://unctadstat.unctad.org/ReportFolders/reportFolders.aspx>



<http://unctadstat.unctad.org/ReportFolders/reportFolders.aspx>



<http://unctadstat.unctad.org/ReportFolders/reportFolders.aspx>

در نمودارهای فوق، به خوبی روند جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران در مقایسه با کشورهای منتخب به تصویر کشیده شده است. در این نمودارها مشخص گردیده که ایران از دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی و ابتدای قرن بیست و یکم تلاش نموده تا روند جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی را در پیش بگیرد و این روند در سالهای بعد همانطور که در نمودارهای فوق نیز مشاهده می شود رشد داشته است. اما زمانی می توان میزان رشد سرمایه گذاری مستقیم خارج در ایران را محسوس دانست که آن را با کشورهای دیگر مقایسه نمود.

در مقایسه‌ای که با کشورهای منطقه صورت گرفته است، جذب سرمایه گذاری توسط ایران، از امارات، هند، عربستان، ترکیه و حتی لبنان نیز کمتر است. جمهوری اسلامی ایران متناسب با جایگاه و ظرفیتها و قدرت بالای اقتصادی خود نتوانسته در زمینه جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی بهره لازم را ببرد. در واقع ورود دیپلماسی اقتصادی به این عرصه بیش از پیش احساس می شود. لازم به ذکر است، از جمله ظرفیتهای دیپلماسی اقتصادی، فراهم نمودن و استفاده از ظرفیتهای دیپلماتیک لازم برای افزایش تبادل و همکاری اقتصادی دو عرصه داخل و خارج است. آمار فوق نشانگر این است که دیپلماسی اقتصادی با چالش تقابل عرصه داخل و عرصه خارج

روبرو است. تا زمانی که چالش تقابل عرصه داخل و خارج وجود داشته باشد، میزان ورود فرصتهای اقتصادی از خارج به داخل کاهش پیدا می‌کند. کاهش این فرصتها به معنی نبود یک دیپلماسی اقتصادی کارآمد برای فراهم نمودن ورود فرصتهای اقتصادی و سرمایه‌گذاری در ایران است. لذا به نظر می‌رسد جایگاه کنونی ایران در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به معنای تقابل محیط داخل با عرصه خارج در سیاست خارجی و تأثیر آن بر جایگاه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی است.

- رقابت پذیری^۱

گسترش بازارهای جهانی و ارتباط روز افزون بین کشورهای مختلف باعث شده است که محیط تجاری بسیاری از فعالیتهای اقتصادی با تغییر و تحولات زیادی روبرو شود و این همان مفهومی است که با فرایند جهانی شدن اقتصاد ارتباط تنگاتنگ دارد. در این شرایط مفاهیم رقابت و قدرت رقابت پذیری از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است به گونه‌ای که در دوران حاضر ایجاد فضای رقابتی و توانمندسازی بنگاههای تولیدی الزامی‌ترین بستر تعامل اقتصاد جهانی را تشکیل داده و کشورهای مختلف تلاشهای زیادی را در این زمینه انجام داده‌اند و به همین دلیل است که مفهوم رقابت پذیری کلیدی‌ترین مفهوم در عرصه اقتصاد بین‌الملل و دیپلماسی اقتصادی کشورها است.

مجمع جهانی اقتصاد سطح رقابت‌پذیری کشورها را منعکس کننده توان آنها در تأمین و افزایش رفاه برای اتباع خود می‌داند. براساس نظر مجمع، رقابت‌پذیری، مجموعه‌ای از نهادها، سیاستها و عواملی است که سطح بهره‌وری یک کشور را تعیین می‌کند. سطح بهره‌وری نیز به نوبه خود سطح رفاه اقتصادی مردم در اقتصاد کشور را تعیین می‌کنند. به عبارت دیگر می‌توان گفت اقتصادهایی که رقابت‌پذیر هستند، سطح بالاتری از درآمد را برای شهروندان خود ایجاد می‌کنند.^۲ سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۳ نیز رقابت‌پذیری را عبارت از توانایی یک کشور در تولید کالاها و خدمات برای ارائه در بازارهای بین‌المللی و به طور همزمان حفظ و یا ارتقای سطح درآمد شهروندان در بلندمدت و توانایی کشورها در فروش محصولات خود در بازارهای جهان می‌داند.^۴

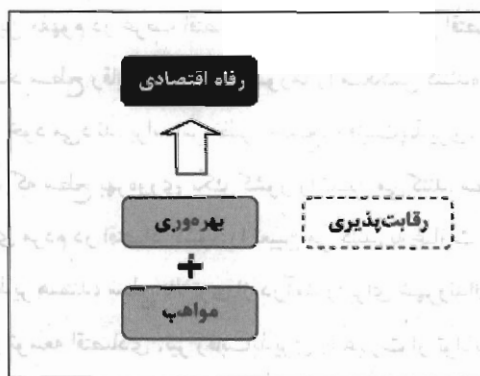
1. Competitiveness

2. Schwab (2012)

3. OECD

4. OECD Glossary, Stats (2012)

البته قابل ذکر است که رفاه اقتصادی بر اثر دو عامل مواهب خدادادی و بهره‌وری تعیین می‌گردد. آنچه میزان کارآمدی اقتصادی یک کشور را نشان می‌دهد تنها عامل مواهب طبیعی نیست. زیرا مواهب خدادادی خارج از اراده افراد یک کشور بوده و بر اثر تصمیمات آنها در زمان حال شکل نمی‌گیرند. لذا در رقابت‌پذیری، میزان بهره‌وری بسیار مهم است و عامل منابع خدادادی و طبیعی در تشریح رقابت‌پذیری کشورها یک متغیر کنترلی به شمار می‌رود و به عنوان یک عمل در تعیین اثربخشی و متغیر سیاست‌گذاری محسوب نمی‌شود. در واقع مفهوم رقابت‌پذیری به قابلیت تولید ثروت از فعالیتهای اقتصادی مولد اشاره دارد که بر ارزش نیروی کار و داراییهای طبیعی موجود می‌افزایند. البته معیار بهره‌وری در کنار منابع خدادادی می‌تواند به رفاه اقتصادی منجر شوند که این یعنی همان دستیابی به رقابت‌پذیری اقتصادی است. در واقع عنصر رقابت در حوزه اقتصاد در جایی معنا می‌یابد که بازار وجود داشته باشد. مکانیسم بازار که عرضه و تقاضای کالا و خدمات در آن صورت می‌گیرد قیمت کالا را تعیین می‌کند و در اینجاست که رقابت معنا می‌یابد.^۱



مجمع جهانی اقتصاد هر سال گزارشی را با عنوان گزارش رقابت‌پذیری جهانی ارائه می‌کند که اولین شماره آن در سال ۱۹۷۹ میلادی منتشر شده است. در این گزارش کشورها براساس شاخص رقابت‌پذیری جهانی رتبه‌بندی می‌گردند. شاخص مذکور برای اندازه‌گیری و مقایسه رقابت‌پذیری کشورهای مختلف جهان به کار می‌رود. محاسبه این شاخص مبتنی بر آخرین تحقیقات نظری و تجربی است که در آن ۱۱۲ متغیر مختلف مورد بررسی و سنجش قرار می‌گیرد.

حدود دو سوم از این متغیرها براساس نظرسنجی از مدیران اجرایی بنگاه‌های اقتصادی و یک سوم باقیمانده آن براساس داده‌های آماری کشورها اندازه‌گیری می‌شوند. فاکتورهای تأثیرگذار بر رقابت‌پذیری به ۱۲ گروه تحت عنوان ارکان رقابت‌پذیری به شرح زیر تقسیم‌بندی می‌شوند.^۱ البته متغیرهای ۱۲ گانه تحلیل نمی‌شوند بلکه هر کدام بر روی دیگری نیز تأثیر می‌گذارد. براساس گزارش مجمع جهانی اقتصاد فاکتورهای فوق در مراحل مختلف توسعه تأثیرگذار هستند و کشورها نسبت به مراحل توسعه خود با این عوامل درگیر هستند.^۲

- مرحله مبتنی بر عوامل تولید: اولین مرحله توسعه اقتصاد کشورها مبتنی بر عوامل تولید است و کشورها براساس منابع خدادادی خود که عمدتاً نیروی کار غیرماهر و منابع طبیعی است به رقابت می‌پردازد. بنگاه‌های این کشورها براساس قیمت پائین رقابت می‌کنند و به فروش محصولات و کالاهای اولیه می‌پردازند. حفظ رقابت‌پذیری در این مرحله عمدتاً به عملکرد مناسب نهادهای دولتی و خصوصی (رکن ۱)، زیرساخت‌های توسعه یافته (رکن ۲)، ثبات در حساب‌های دولتی (رکن ۳) و نیروی کار سالم تحصیلکرده (رکن ۴) بستگی دارد. همگام با توسعه در این مرحله، دستمزدها افزایش می‌یابد و کشورها به سمت مرحله توسعه مبتنی بر کارایی حرکت می‌کنند که در آن باید ایجاد فرایندهای تولید کارآمد را آغاز کنند و کیفیت محصولات خود را افزایش دهند.

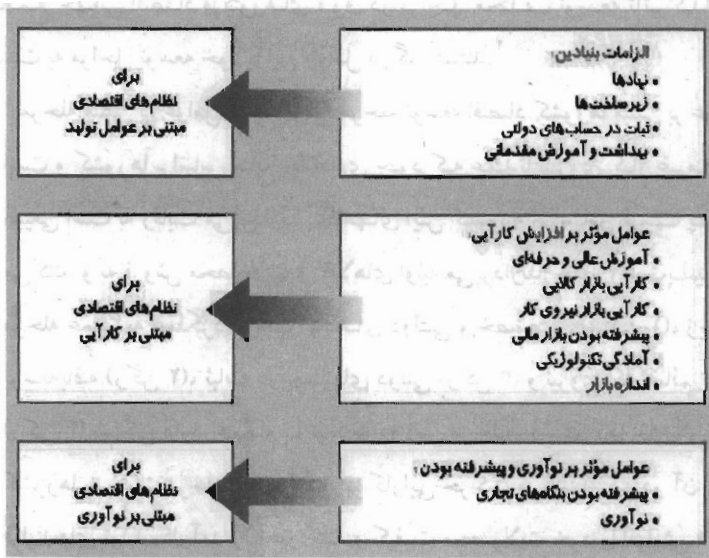
- مرحله مبتنی بر کارایی: دومین مرحله توسعه اقتصاد کشورها مبتنی بر کارایی است. توسعه رقابت‌پذیری در این مرحله براساس آموزش عالی و حرفه‌ای (رکن ۵)، بازارهای کارآمد کالا (رکن ۶)، بازارهای کارآمد نیروی کار (رکن ۷)، بازارهای مالی پیشرفته (رکن ۸)، بازار داخلی و یا بازار خارج بزرگ (رکن ۱۰) و توانایی استفاده از مزایای فناوری موجود (رکن ۹) صورت گیرد. در نهایت وقتی کشورها به مرحله توسعه مبتنی بر نوآوری دست یافتند در صورتی قادر خواهند بود دستمزدهای بالا و سطح زندگی مناسب با آن را حفظ نمایند که بنگاه‌ها بتوانند با محصولات منحصر به فرد و جدید رقابت کنند.^۳

- مرحله مبتنی بر نوآوری: سومین مرحله توسعه اقتصاد کشورها مبتنی بر نوآوری است. در این مرحله کشورها باید از طریق نوآوری (رکن ۱۲) و تولید کالاهای جدید و

1. Schwab (2010)

2. *Ibid*

متفاوت با استفاده از پیشرفته‌ترین فرایندهای تولید (رکن ۱۱) به رقابت بپردازند. تمامی ارکان ۱۲ گانه برای همه کشورها مهم هستند اما اهمیت نسبی هر یک از آنها به مرحله توسعه یافتگی هر کشور بستگی دارد. در شکل زیر درهم تنیدگی و ارتباط هر کدام از مراحل فوق نسبت به هر کدام از مرحله توسعه نشان داده شده است.^۱



اهمیت ارکان رقابت پذیری در مراحل مختلف توسعه

http://www3.weforum.org/docs/WEF_GlobalCompetitivenessReport_2010-11.pdf

مقایسه ایران با کشورهای منتخب منطقه‌ای از نظر رقابت پذیری

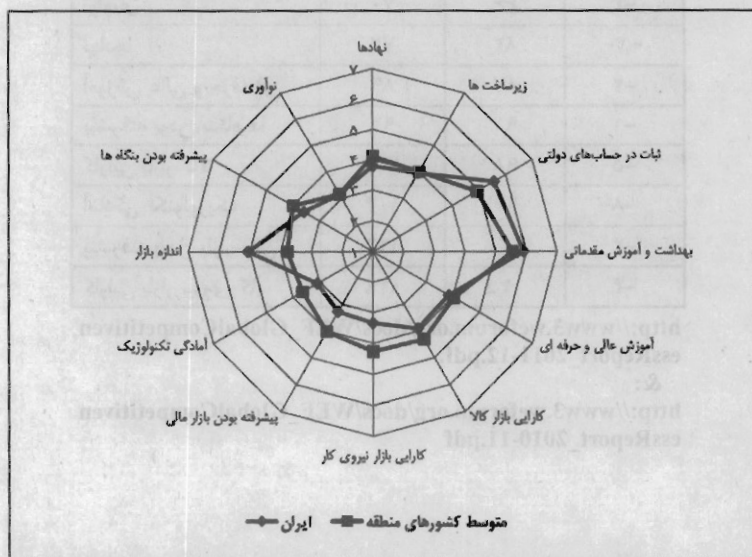
تعداد	کشور	رتبه ۱۳۹۰	رتبه ۱۳۸۹	میزان تغییرات
۱	قطر	۱۴	۱۷	+۳
۲	عربستان	۱۷	۲۱	+۴
۳	مالزی	۲۶	۲۱	-۵
۴	امارات متحده عربی	۲۷	۲۷	۰
۵	عمان	۳۲	۳۴	+۲
۶	کویت	۳۴	۳۵	+۱
۷	بحرین	۳۷	۳۷	۰
۸	هند	۵۱	۵۶	+۵

دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران؛ زمینه‌ها و چالش‌ها ... ۹۹

+۲	۵۷	۵۵	آذربایجان	۹
-۸	۶۱	۵۹	ترکیه	۱۰
+۷	۹۶	۶۲	جمهوری اسلامی ایران	۱۱
+۶	۶۵	۷۱	اردن	۱۲
۰	۷۲	۷۲	قزاقستان	۱۳
+۵	۹۳	۸۸	گرجستان	۱۴
+۳	۹۲	۸۹	لبنان	۱۵
+۶	۹۸	۹۲	ارمنستان	۱۶
-۱۳	۸۱	۹۴	مصر	۱۷
-۱	۹۷	۹۸	سوریه	۱۸
+۱۱	۱۱۶	۱۰۵	تاجیکستان	۱۹
+۵	۱۲۳	۱۱۸	پاکستان	۲۰
-۵	۱۲۱	۱۲۶	قرقیزستان	۲۱
-	-	۱۳۸	یمن	۲۲

http://www3.weforum.org/docs/WEF_GlobalCompetitivenessReport_2011-12.pdf

http://www3.weforum.org/docs/WEF_GlobalCompetitivenessReport_2010-11.pdf



مقایسه ارکان مختلف رقابت‌پذیری ایران با متوسط منطقه

http://www3.weforum.org/docs/WEF_GlobalCompetitivenessReport_2011-12.pdf

همانطور که در شکل فوق مشاهده می‌کنیم، از مجموع ارکان ۱۲ گانه، جمهوری اسلامی ایران در سه رکن اندازه بازار، بهداشت عمومی و ثبات در حسابهای دولتی از سطح متوسط منطقه بالاتر است و از موقعیت بهتری برخوردار است. البته لازم به ذکر است که از سه مورد فوق رکن «ثبات در حسابهای دولتی» چندان با سؤالات و درخواستهای مجمع جهانی اقتصادی همخوانی ندارد. چنانکه در زیرمجموعه این رکن، متغیر تفاوت نرخ سود سپرده‌های کوتاه‌مدت و نرخ سود وامهای بلندمدت که از متغیرهای مؤثر بر ثبات اقتصادی کلان است قرار می‌گیرد که در ایران به صورت دستوری و توسط شورای پول و اعتبار تعیین می‌گردد و در نتیجه چندان نشان‌دهنده واقعیتهای فضای کلان اقتصادی کشور نیست.^۱

رتبه ایران در میان کشورها از نظر ارکان مختلف رقابت‌پذیری^۲

رتبه	۲۰۱۰-۱۱	۲۰۱۱-۱۲	تغییر
اندازه بازار	۲۱	۲۰	-۱
ثبات در حساب‌های دولتی	۲۷	۴۵	+۱۸
بهداشت و آموزش ابتدایی	۵۰	۵۴	+۴
زیرساخت‌ها	۶۷	۷۴	+۷
نوآوری	۷۰	۶۶	-۴
نهادهای	۷۲	۸۲	+۱۰
آموزش عالی و حرفه‌ای	۸۹	۸۷	-۲
پیشرفته بودن بنگاه‌ها	۹۲	۹۱	-۱
کارایی بازار کالا	۱۰۳	۹۸	-۵
آمادگی تکنولوژیک	۱۰۴	۹۶	-۸
پیشرفته بودن بازار مالی	۱۲۳	۱۲۰	-۳
کارایی بازار نیروی کار	۱۳۹	۱۳۵	-۴

http://www3.weforum.org/docs/WEF_GlobalCompetitivenessReport_2011-12.pdf.

&

http://www3.weforum.org/docs/WEF_GlobalCompetitivenessReport_2010-11.pdf

۱. جنتی‌فرد و نیک‌رفتار (۱۳۹۰)

۲. همان

با توجه به آمار فوق به نظر می‌رسد، اقتصاد ایران در شرایطی قرار دارد که پس از چندین دهه نگاه درون‌گرا و استفاده از استراتژی جایگزینی واردات در توسعه اقتصادی مدتی است که رویکرد توسعه صادرات و تعامل با اقتصاد جهانی را در پیش گرفته است. این امر اهمیت رقابت‌پذیری اقتصاد ملی را بیش از پیش نمایان می‌سازد و لذا لازم است که میزان رقابت‌پذیری برای این استراتژی هر چه بیشتر مورد توجه قرار گیرد.^۱

نیروهای اقتصادی غیردولتی برای اینکه بتوانند درآمد ارزی معادل دولت کسب کنند، باید در مناسبات سیاسی نظام مشارکت داشته باشند و این مشارکت آثار عملی خود را در تنظیم و تصویب قوانین و مقررات به نفع بخش خصوصی نشان می‌دهد. دولت که برای عوامل اقتصادی وابسته خود، محیط انحصاری یا شبه انحصاری ایجاد کرده، مانع از تولید رقابتی می‌گردد. چرا که عوامل اقتصادی به لحاظ حمایت (در اشکال مختلف) و عدم حضور رقبای دیگر به دنبال کاهش هزینه تولید و بالا بردن کیفیت محصول خود نیستند. سهم آنها در بازار تضمین شده است و دولت ضعف اقتصادی آنها را با شیوه‌های مختلف جبران می‌کند که البته اثر نهایی این اقدامات کاهش رفاه اجتماعی خواهد بود.^۲

مهمترین موانع رقابت‌پذیری در ایران، کارایی بازار کالا است که از این ارکان، شش متغیر در فهرست نقاط ضعف قرار گرفته است. این شش متغیر عبارتند از وجود موانع تجارت، سطح تعرفه‌ها، رواج مالکیت خارجی، اثر قوانین بر سرمایه‌گذاری خارجی، نسبت واردات به تولید ناخالص ملی و میزان مشتری‌مداری شرکتها. در واقع وضعیت نامطلوب ایران در این متغیرها باعث می‌شود تا رقابت داخلی و خارجی در سطح پائینی قرار داشته باشد.^۳

با بررسی‌هایی که به عمل آمد ایران در مرحله گذار از مرحله اول رقابت‌پذیری یعنی، مرحله مبتنی بر عوامل تولید است. همانطور که گفته شد در این مرحله کشورها عمدتاً براساس منابع خدادادی و نیروی کار غیرماهر به رقابت می‌پردازند. در مورد ایران با توجه به اندازه بزرگ بازار و توانایی و قدرت آن در منابع طبیعی و وابسته بودن به منابع طبیعی یعنی گرفتار آمدن در مرحله اول رقابت‌پذیری است. زمانی که در این مرحله توقف نمائیم در واقع مجالی برای نوآوری و کارایی برای برون‌رفت از این شرایط و رقابت با جهان خارج فراهم نمی‌شود. لذا دیپلماسی اقتصادی که

۱. جنتی‌فرد و نیک‌رفتار (۱۳۹۰)

۲. امیدبخش (۱۳۸۴)

اصل و اساس آن مبتنی بر در پیش گرفتن ابتکارات لازم برای فراهم نمودن شرایط بین‌المللی توسعه اقتصادی است، با این وضعیت نمی‌تواند کاری از پیش ببرد. در واقع یک دیپلماسی اقتصادی در دو مرحله دوم و سوم می‌تواند فضای بازی داشته باشد و در مرحله اول فقط می‌توان از دیپلماسی سنتی تجاری و استفاده از منابع طبیعی برای رقابت و تأمین اهداف سیاسی بهره برد.

- خصوصی‌سازی^۱

جهانی شدن و خصوصی‌سازی دو پدیده مهم هستند که در روابط سیاسی و اقتصادی جهان معاصر دارای اهمیت هستند. در واقع این دو مفهوم دو روی یک سکه هستند و همزمان با گسترش جهانی شدن اقتصاد میزان خصوصی‌سازی نیز گسترش پیدا می‌کند.^۲ دلایل ایجاد خصوصی‌سازی، البته خصوصی‌سازی که در جهت توسعه اقتصادی است، افزایش کارایی و قدرت بنگاههای اقتصادی، گسترش فرصتهای سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌های خصوصی، استقرار حقوق مالکانه خصوصی، تجاری کردن رفتار مدیریتی، بهبود تخصیص منابع، ایجاد انگیزه شخصی برای مدیران و کارکنان و ایجاد شرایط لازم برای تسلط شرکتی در اقتصاد است. خصوصی‌سازی با افزایش کارایی اقتصادی و میزان رشد اقتصادی پایدار، موجب رفاه اقتصادی بیشتر برای عامه مردم می‌شود. علاوه بر این، با خصوص‌سازی به اهداف توزیعی و مشارکتی نیز می‌توان رسید. خصوصی‌سازی باید موجب توزیع عادلانه‌تر منافع و عواید رشد اقتصادی شود تا خطر افزایش بی‌عدالتی‌ها را کنترل کند.^۳ آگاهی بر تصدی‌های غیرضرور با فاصله گرفتن دولت از انجام کارهای اقتصادی ممکن توسط بخش خصوصی، با انتقال قدرت تصمیم‌گیری و مسئولیت‌پذیری مدیران بخش خصوصی، وحدت ملی را تقویت می‌کند و دولت را به سمت سیاست‌گذاری‌های کلان مالی و پولی هدایت خواهد کرد. بنابراین، موفقیت دولت در اجرای سیاست‌های مالی و پولی، مهمترین رکن سیاست‌گذاری دولت در حوزه اقتصاد است^۴ که بنابر گزارش بانک جهانی میزان پیشرفت معاملات خصوصی‌سازی از سال ۲۰۰۰ میلادی به بعد روندی رو به رشد داشته است.^۵ در واقع، انگیزه بخش خصوصی برای پاسخگویی به واکنشهای عرضه و تقاضا با حذف بنگاهها و ادغام آنها پویایی سرمایه‌های مادی و معنوی را تشدید می‌کند، در حالی که شکست سازمانهای اقتصادی تحت

1. Privatization

2. Debab (2011)

۳. دادجوی توکلی (۱۳۸۳)

۴. عبیری (۱۳۸۵)

5. Nellis (2012)

پوشش دولت با بی‌اعتبار کردن نهاد دولت روبرو است. طبیعی است که دولت برای اعتبار دادن به ورشکستگی این گونه بنگاه‌ها، به اقتصاد پنهان و تزریق سرمایه‌های رسمی و ایجاد تقاضای کاذب روی خواهد آورد که هر یک به تنهایی می‌تواند ساختار اقتصادی را از تعادل دور و دورتر سازد.^۱ خصوصی‌سازی هنوز ملاک اصلی سنجش صداقت یک دولت در ایجاد اقتصاد بازار محسوب می‌شود. این موضوعی است که بازیگران داخلی و خارجی هر دو به خوبی از آن آگاهی دارند. همچنین خصوصی‌سازی فرایندی به مراتب مشکل‌تر و طولانی‌تر از آن چیزی است که در وهله اول به نظر می‌رسد. به عبارت دقیق‌تر خصوصی‌سازی مفرهایی را برای آن دسته از افرادی که در صدد اعمال نفوذ بر آن هستند، فراهم می‌نماید. این افراد می‌توانند شامل متصدیان، خریداران بالقوه یا گروه‌های ذینفعی مانند مدیران و کارگران فعلی بخش دولتی برای حفظ موفقیت خود باشند، بنابراین در غالب موارد، برآیند کلی خصوصی‌سازی، فروش ساده شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی به منظور افزایش رقابت و کارایی بیشتر نبوده است، بلکه در برخی موارد این امر به ایجاد انحصارات جدید و یا شرکت‌هایی انجامیده است که در آن حکومت یا همچنان یک کنترل‌کننده منافع است و یا همچنان از این توانایی برخوردار است تا به وضع مقررات و قوانین گوناگونی بپردازد که می‌تواند آزادی مدیریتی را در آینده محدود نماید.^۲

علاوه بر ۱۱۱ متغیر و ۱۲ رکن مورد استفاده در محاسبه شاخص رقابت‌پذیری جهانی، طی یک نظرسنجی از فعالان اقتصادی کشور خواسته شد که از میان ۱۵ مورد مشخص شده ۵ مورد از مهمترین مشکلات فراروی کسب و کار را به ترتیب اهمیت تعیین کنند. همانطور که در ادامه در شکل ذیل مشاهده خواهیم کرد، دسترسی به منافع مالی و با اختلاف قابل توجه نسبت به سایر گزینه‌ها همچنان مهمترین مشکلات پیش روی کسب و کار از نگاه فعالان اقتصادی است. عدم ثبات در سیاست‌های دولت، تورم، دیوانسالاری در دولت و عدم وجود زیرساخت‌های کافی به ترتیب دومین تا پنجمین مشکل مهم از دید فعالان اقتصادی است. همچنین مقررات دست و پا گیر نیروی کار و مقررات ارزی از مشکلات مهم بنگاه‌ها است.

۱. عبیری (۱۳۸۵)

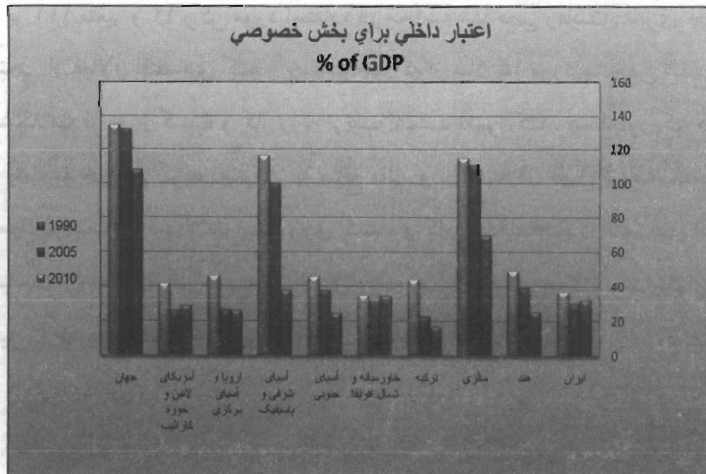
۲. راجر اوئن (۱۳۸۳)



مهمترین مشکلات فراروی کسب و کار از دید فعالین بخش خصوصی

http://www3.weforum.org/docs/WEF_GlobalCompetitivenessReport_2011-12.pdf, p208

در ادامه میزات اعتبار داخلی برای بخش خصوصی در ایران بصورت جداگانه و در مقایسه با کشورهای هم‌تراز نشان داده می‌شود.



<http://data.worldbank.org/country/iran-islamic-republic>

اقتصادها	اعتبار داخلی برای بخش خصوصی		
	% of GDP		
	۱۹۹۰	۲۰۰۵	۲۰۱۰
جمهوری اسلامی ایران	۳۲	۳۰	۳۶.۷
هند	۲۵.۲	۳۹.۴	۴۹
مالزی	۶۹.۴	۱۱۰.۸	۱۱۴.۹
ترکیه	۱۶.۷	۲۲.۲	۴۴
خاورمیانه و شمال افریقا	۳۴.۵	۳۱.۳	۳۵
آسیای جنوبی	۲۴.۲	۳۷.۷	۴۵.۸
آسیای شرقی و پاسیفیک	۳۷.۷	۹۹.۹	۱۱۶.۳
اروپا و آسیای مرکزی	-	۲۶.۴	۴۶.۲
آمریکای لاتین و حوزه کارائیب	۲۸.۶	۲۶	۴۱.۷
جهان	۱۰۸.۱	۱۳۲	۱۳۴.۴

THE WORLD BANK, Private sector in the economy, World Development Indicator 2007,
 IN: <http://siteresources.worldbank.org/DATASTATISTICS/Resources/table5-1.pdf>
 THE WORLD BANK, The Little Data Book on Private Sector Development 2012,
 IN: <http://data.worldbank.org/data-catalog/world-development-indicators>

نمودار ۱. اعتبار داخلی برای بخش خصوصی در جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه بانک جهانی
 (% of GDP)

<http://data.worldbank.org/country/iran-islamic-republic>

این شاخص مهمی برای نشان دادن محیط داخلی برای علاقمندی بخش خصوصی به فعالیت اقتصادی است. خصوصی‌سازی مهم‌ترین و در عین حال دشوارترین بخش سیاست‌های تعدیل ساختاری در اقتصاد یک کشور است که اجرای موفقیت‌آمیز آن، ساختار نظام مالکیت و مناسبات اجتماعی تولید را دگرگون و گذار به سمت اقتصاد بازار و شکل‌گیری بخش خصوصی رقابتی و مستقل از دولت را امکان‌پذیر می‌کند. بنابراین خصوصی‌سازی صرفاً به معنی کاهش مالکیت دولت نیست بلکه به منزله تغییر نظام مالکیت و قواعد و قوانین حاکم بر آن است. بر این اساس واگذاری بنگاههای دولتی به نهادهای بخش عمومی یا حفظ سهام مدیریتی واحدهای واگذار شده مصداق واقعی خصوصی‌سازی نیستند.

در این قسمت نیز با بررسی جایگاه ایران در خصوصی سازی مشخص گردید که دیپلماسی اقتصادی با توجه به این شاخص با چالش مقابله دولت با بخش خصوصی و تقابل سیاست و اقتصاد روبرو است. چنانکه در آمار فرقی ملاحظه می‌کنیم رشد اعتبار داخلی برای بخش خصوصی در ایران نسبت به رشد اعتبار داخلی برای بخش خصوصی در جهان کمتر بوده و در سه دوره زمانی انتخاب شده تغییری صورت نگرفته است. این واقعیت یعنی اینکه، دولتهای متفاوتی که در جمهوری اسلامی بر سر کار آمده‌اند، هنوز تکلیف خود را مشخص ننموده است که تا چه حد می‌تواند به بخش خصوصی اعتماد و اطمینان داشته باشد. لذا عدم نیاز به بخش خصوصی یعنی عدم نیاز به دیپلماسی اقتصادی است که در آن بخش خصوصی مورد توجه است. دیپلماسی اقتصادی به بخش خصوصی و اقتصاد بیشتر از دولت و سیاست اهمیت می‌دهد. یعنی سیاست را برای استفاده و تأمین قدرت اقتصادی بکار می‌گیرد. اما نگاه فعالان خصوصی در ایران در بالا نشانگر این است که فعالان خصوصی هنوز خود را با چالشهای عمده برای ایفای نقش مواجه می‌بینند. چالش تقابل سیاست در مقابل اقتصاد و بازیگران غیردولتی در مقابل دولت در شاخص خصوصی سازی، نشانگر عدم نیاز به دیپلماسی اقتصادی برای ایفای نقش است.

– دسترسی به تکنولوژی‌های ارتباطات و اطلاعات

در جهان امروز از آنجایی که تکنولوژیهای اطلاعاتی و ارتباطاتی از عوامل توسعه و گسترش نوآوری، خلاقیت، کارآفرینی، چالاکی و تیزموشی در سطح اقتصاد و بازار جهانی محسوب می‌شوند و به نوعی آزاداندیشی علمی، معنوی و سیاسی را به دنبال دارند بیش از پیش از گذشته می‌توانند منابع قدرت عمومی و توانمندی‌های اجتماعی سیاسی و اقتصادی هر کشور باشند. لذا در عصر اقتصاد جهانی رقابت آزاد اقتصادی به سرعت و به شدت از توسعه تکنولوژی و سیستم‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی بهره‌مند می‌گردد. در واقع امروزه با گسترش تکنولوژی‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی به گونه‌ای فعالیت اقتصادی در درون مرزهای بسته ملی کاری مشکل و حتی غیرممکن محسوب می‌گردد.^۱ در پیش گرفتن دیپلماسی اقتصادی نیز مستلزم در اختیار داشتن تکنولوژیهای مدرن و جدید برای انجام فعالیتهای اقتصادی است. ایران علاوه بر اینکه در ایجاد تکنولوژی بومی و خودی توفیق کمی داشته است در بحث انتقال تکنولوژی نیز از مشکلات زیادی برخوردار بوده است. شاید یکی از اصلی‌ترین عوامل عدم توفیق در انتقال تکنولوژی این بوده است که اقتصاد و بنگاههای تولیدی ما در چرخه عرضه جهانی حضور بسیار کمی داشته‌اند. در بیست سال گذشته

تأکید بر خودکفایی باعث آن شد که در اقتصاد جهانی جمهوری اسلامی ایران حضور فعالی نداشته باشد. در این میان مواردی همچون دفاع مقدس و تحریم‌های اقتصادی که علیه ایران شروع گردید باعث شد تا بنگاه‌های ایران در چرخه عرضه جهانی جایگاه شایسته خود را نداشته باشند چرا که عضو چرخه جهانی بودن باعث انتقال طبیعی تکنولوژی می‌گردد.

در دنیای جهانی شده امروز، فناوری به عنصری مهم برای رقابت و شکوفایی شرکتها تبدیل شده است. رکن آمادگی تکنولوژیک بیانگر میزان چابکی اقتصادها در جذب فناوری‌های موجود به منظور ارتقای بهره‌وری صنایع خود است و البته تأکید ویژه‌ای بر ظرفیت اقتصاد کشورها برای بکارگیری در فعالیتهای روزمره و (ICT) فناوری اطلاعات و ارتباطات فرآیندهای تولیدی برای رسیدن به کارآیی و رقابت‌پذیر دارد. فناوری اطلاعات و ارتباطات با توجه به تسری اثرات آن به سایر بخشهای اقتصادی و نقش آن به عنوان زیرساخت عصر حاضر تبدیل به «فناوری همه منظوره» تمامی صنایع، شده است. بنابراین، دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات و کاربرد آن از مؤلفه‌های اساسی آمادگی تکنولوژیک محسوب می‌شوند. مهم نیست که یک فناوری در داخل کشور توسعه یافته است یا خیر، به هر حال استفاده از آن باعث افزایش بهره‌وری می‌شود. نکته مهم این است که شرکتهای فعال در کشور به محصولات پیشرفته و توان بکارگیری آنها دسترسی داشته باشند. در میان منابع اصلی فناوری خارجی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اغلب نقش کلیدی دارد. ذکر این نکته مهم است که باید سطح فناوری قابل دسترس برای بنگاههای یک کشور را از توان آن کشور برای نوآوری و گسترش مرزهای دانش متمایز دانست.^۱ به همین دلیل است که در شاخص رقابت‌پذیری جهانی، نوآوری از آمادگی تکنولوژیک تفکیک شده است. در شکل ذیل میزان آمادگی تکنولوژیک ایران و کشورهای منطقه مقایسه شده است. همانطور که در شکل دیده می‌شود ایران از نظر آمادگی تکنولوژیک در میان ۱۴۲ کشور جهان با ۸ پله سقوط نسبت به سال گذشته در رتبه ۱۰۴ و در منطقه با ۳ پله سقوط در رتبه ۱۷ ام قرار دارد. در سطح منطقه رژیم صهیونیستی، امارات، قطر، بحرین، عربستان سعودی و عمان به ترتیب رتبه‌های ۱ تا ۶ را از نظر آمادگی تکنولوژیک به خود اختصاص داده‌اند. رکن آمادگی تکنولوژیک برای کشورهای دیگری که در مرحله توسعه مبتنی بر کارایی قرار دارند از اهمیت زیادی برخوردار است و با توجه به تحریم‌های موجود بر علیه کشور و اینکه ایران در حال گذار به مرحله توسعه مبتنی بر کارایی است، لازم است سرمایه‌گذاری در این بخش جزء مهمترین اولویتهای سیاستگذاران قرار

گیرد. در جدول ۱۹ رتبه ایران از نظر هر یک از متغیرهای تشکیل‌دهنده رکن آمادگی تکنولوژیک در بین کشورهای منطقه نشان داده شده است. همچنین در هر یک از متغیرها رتبه ایران و رتبه متوسط منطقه در بین ۱۴۲ کشور مورد بررسی در گزارش رقابت‌پذیری جهانی، مشخص شده است. همانطور که دیده می‌شود از بین ۸ متغیر تشکیل‌دهنده رکن آمادگی تکنولوژیک رتبه ایران تنها در یک مورد (خطوط تلفن ثابت) بهتر از متوسط منطقه است و در سایر متغیرها از متوسط منطقه پایین‌تر است.^۱

جایگاه ایران در متغیرهای تشکیل‌دهنده آمادگی‌های تکنولوژیک

متغیر	رتبه ایران در بین		رتبه ایران در میان کشورهای مورد بررسی		رتبه متوسط منطقه	
	۱۳۸۶	۱۳۹۰	۱۳۸۶	۱۳۹۰	۱۳۸۶	۱۳۹۰
الف. استفاده از تکنولوژی	۱۸	۱۹	۱۱۸	۱۲۰	۷۲	۷۵
در دسترس بودن آخرین تکنولوژی‌ها	۱۷	۱۸	۱۲۳	۱۱۷	۷۳	۷۴
جذب تکنولوژی‌های جدید توسط بنگاه‌ها	۱۶	۱۹	۱۱۶	۱۲۰	۶۴	۶۳
انتقال تکنولوژی از طریق جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	۱۵	۱۶	۱۱۴	۱۱۱	۸۲	۸۷
ب. استفاده از فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات	۹	۱۵	۷۲	۸۷	۶۸	۷۲
کاربران اینترنت	۸	۱۹	۶۰	۱۰۲	۶۶	۶۹
تعداد مشترکان اینترنت بر سرعت	۱۵	۱۶	۱۰۱	۱۰۴	۶۶	۷۳
نسبت پهنای باند اینترنت کشور به جمعیت	۱۷	۱۷	۹۹	۱۰۳	۶۰	۶۷
خطوط تلفن ثابت	۲	۲	۳۶	۳۱	۶۹	۷۴
تعداد مشترکان تلفن همراه	۱۴	۱۳	۹۵	۸۵	۵۳	۶۰

http://www3.weforum.org/docs/WEF_GlobalCompetitivenessReport_2011-12.pdf

:۵

http://www3.weforum.org/docs/WEF_GlobalCompetitivenessReport_2010-11.pdf

۴. نتیجه‌گیری

در این مقاله از طریق تحلیل داده‌ها و آمار نهادهای اقتصادی بین‌المللی و با بکارگیری نرم‌افزار Excel، برای بررسی عینی جایگاه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به شاخص اساسی و مهم جهانی شدن اقتصاد و اقتصاد بازار استناد گردید. ارتباط موضوع دیپلماسی اقتصادی و شاخصهای پنج‌گانه جهانی شدن اقتصاد به این نکته برمی‌گردد که هر کشوری که از دیپلماسی اقتصادی قوی و کارآمد برخوردار باشد می‌تواند جایگاه خود را در شاخصهای مطرح جهانی شدن اقتصاد ارتقاء دهد و هر کشوری که جایگاه آن در شاخصهای جهانی شدن اقتصاد بهتر باشد، بهتر می‌تواند زمینه‌های ساختاری را برای بکارگیری دیپلماسی اقتصادی فراهم نماید. نتیجه‌ای که از این تصویرسازی از جایگاه ایران در شاخصهای جهانی شدن اقتصاد بوجود آمد نشانگر این موضوع است که جایگاه ایران در هر کدام از شاخصهای پنج‌گانه اقتصادی مؤید وجود سه چالش مرسوم فراروی دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران است.

- تداوم برتری نقش دولت در مقابل بازیگران دولتی و بخش خصوصی در حوزه اقتصاد. بطور مثال در شاخص اول، یعنی آزادسازی اقتصاد، میانگین نمره کل جمهوری اسلامی ایران از ۵۰ عبور نکرده است و ایران فقط در هزینه و مخارج دولت است توانسته نمره بالایی برای خود ثبت نماید. البته نمره بالا در این شاخص مثبت نیست و نشانگر جایگاه عمده دولت در توانایی اقتصادی ایران است. زمانی که دولت از قدرت بالایی برخوردار باشد، دیپلماسی اقتصادی به دولت محدود می‌شود و باعث می‌گردد تا در بلندمدت دیپلماسی اقتصادی در زمینه‌های غیردولتی کارایی خود را از دست بدهد و یا در چهارمین شاخص نیز جمهوری اسلامی ایران فقط در رکن اندازه بازار، از قدرت اقتصادی بالایی برخوردار است و نهادهای خصوصی در نظرات خود شرایط ساختاری را برای فعالیتهای اقتصادی مناسب نمی‌بینند. اما نگاه فعالان خصوصی در ایران در بالا نشانگر این است که فعالان خصوصی هنوز خود را با چالش‌های عمده برای ایفای نقش مواجه می‌بینند.

- تداوم تقابل موضوعات سیاسی و اقتصادی در سیاست خارجی. بطور مثال در مورد شاخص دوم یعنی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز ایران در مقام مقایسه با کشورهای منطقه از جایگاه خوبی برخوردار نیست. در مقام مقایسه با دیگر کشورها عملاً به نظر

می‌رسد که دیپلماسی اقتصادی که فراهم‌کننده شرایط سیاسی برای ورود سرمایه‌گذاری به داخل است نتوانسته موفق عمل نماید. یا در شاخص سوم یعنی رقابت‌پذیری اقتصادی، ایران در مرحله مبتنی بر عوامل تولید یعنی منابع خدادادی و طبیعی متکی است. در این مرحله بیش از هر چیز بر منابع طبیعی همچون نفت برای رقابت در جهانی شدن اقتصاد استفاده می‌شود. وقتی که رقابت براساس منابع طبیعی باشد دیپلماسی اقتصادی جایگاهی برای فعالیت ندارد. در این شرایط هر آنچه که بتواند امنیت منابع طبیعی را در تولید، توزیع و فروش آن تأمین نماید در اولویت است.

- تداوم و محدودیت در گسترش تعاملات داخلی و بین‌المللی. بطور مثال در پنجمین شاخص که به موضوع تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات برمی‌گردد، جمهوری اسلامی ایران دسترسی محدود داشته و از توانایی ساختاری برخوردار نیست. برای در پیش گرفتن سیاستهای اقتصادی و تعاملات اقتصادی در عرصه جهانی، شناخت اطلاعات کامل و کافی در استفاده از جدیدترین تکنولوژیها برای دسترسی به اطلاعات برای دیپلمات‌های اقتصادی امری لازم و ضروری به نظر می‌رسد. در این میان چنانچه جمهوری اسلامی به دلیل اینکه در مرحله گذار از مرحله تولید مبتنی رقابت براساس منابع خدادادی و طبیعی در حال گذار به مرحله مبتنی بر کارایی اقتصادی است بیش از هر چیز لازم است که تکنولوژیهای جدید را بکار گرفته و در ابتدای امر شرایط تکنولوژیکی لازم را برای این کار فراهم نماید.

منابع

الف- فارسی

اوتن، راجر (۱۳۸۳)، «دولت در خاور میانه تغییر موضع نه عقب‌نشینی»، در: حسن حکیمیان و زیبا مشاور، دولت و تحول جهانی، اقتصاد سیاسی گذار در خاور میانه، ترجمه: عباس حاتمی‌زاده، تهران: کویر.

باین، نیکلاس و استفان وولکاک (۱۳۸۸)، «دیپلماسی اقتصادی چیست؟»، در: دیپلماسی اقتصادی نوین: تصمیم‌گیری و مذاکره، ببینید در نیکلاس باین و استفان وولکاک، دیپلماسی نوین اقتصادی؛ روابط اقتصادی بین‌المللی، ترجمه: محمد حسن شیخ‌الاسلامی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

- بلیکی، نورمن (۱۳۹۰)، طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی.
- بهکیش، محمد مهدی (۱۳۸۴)، اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، تهران: نشر نی.
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۸)، «مبانی نظری دیپلماسی نوین: هدایت دیپلماسی در عصر سیاست جهانی»، در دیپلماسی نوین: جستارهایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، گردآوری حسین پوراحمدی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- جنتی‌فرد، محمد و حامد نیک‌رفتار (۱۳۹۰)، گزارش رقابت‌پذیری ایران ۱۳۹۰، مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، تهران: مرکز امور فرهنگی و نشر اندیکا.
- دادجوی توکلی، آذرمیدخت (۱۳۸۳)، «موانع، چالش‌ها و مشکلات اقتصادی خصوصی‌سازی در ایران»، مجله اقتصادی، دوره دوم، سال چهارم، شماره ۳۵ و ۳۶، مهر و آبان.
- شولت، جن آر (۱۳۸۲)، نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- صفدری، فرناز (۱۳۹۰)، گزیده مطالب رقابت‌پذیری جهانی ۲۰۱۱-۲۰۱۲، مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، تهران: مرکز امور فرهنگی و نشر اندیکا.
- عبیری، غلامحسین (۱۳۸۵)، آزادسازی، برنامه‌ریزی، دموکراسی و توسعه، تهران: نشر آیدین.
- فیروزی، اعظم و آزاده باباقادری (۱۳۸۹)، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی؛ تصویر دنیا و منطقه، تهران: مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی معادن و صنایع ایران.
- موسوی شفیعی، مسعود (۱۳۸۸)، «دیپلماسی اقتصادی؛ ابزار نوین سیاست خارجی در عصر جهانی شدن»، در دیپلماسی اقتصادی، محمود واعظی و مسعود موسوی شفیعی، مرکز تحقیقات استراتژیک؛ گروه پژوهشی سیاست خارجی، شماره ۱۷.

ب- انگلیسی

- Barston, R. (1998), *Modern Diplomacy*, London and New York, Longman.
- Blanka, Kalinova, Palerm, Angel and Thomsen Stephen (2010), "OECD FDI Regulatory Restrictiveness Index; A Tool for Benchmarking Countries, Measuring Reform and Assessing its Impact", OECD publication.

- Debab, Nassima (2011), "Globalization and Privatization: Two Faces One Coin", *International Research Journal of Finance and Economics*, Issue 74.
- Erkilek, Asim (2003), "A Comparative Analysis of Inward and Outward FDI in Turkey", United Nations Conference on Trade and Development Division on Investment, Technology and Enterprise Development, Vol. 12, No. 3, December.
- Gwartney, James D., Hall Joshua C. and Robert Lawson (2010), "The Index of Economic Freedom", Fraser Institute.
- Gwartney, James and Robert Lawson (2002), "The Concept and Measurement of Economic Freedom", *European Journal of Political Economy*, Vol. 19, pp. 405-430.
- Gwartney, James, Gus, A. Stavros, Robert Lawson (2004), "Ten Consequences of Economic Freedom", National Center for Policy Analysis, and NCPA Policy Report, No. 268 July.
- Hermes, Niels and Robert Lensink (2003), "Foreign Direct Investment, Financial Development and Economic Growth", *The Journal of Development Studies*, Vol. 38.
- <http://www.heritage.org/research/features/index/downloads.cfm>.(2012).
- <http://stats.oecd.org/glossary/index.htm>(2012).
- <http://unctadstat.unctad.org/ReportFolders/reportFolders.aspx>.
- <http://www.oecd.org/daf/internationalinvestment/investmentstatisticsandanalysis/40193734.pdf>.
- Kešeljević, Aleksandar (2007), "Indexes of economic freedom", An outline and open issues, *Zb. rad. Ekon. Fak. Rij.*, Vol. 25, sv.
- Kopp, H. W. (2004), "Commercial Diplomacy and the National Interest", Washington: American academy of diplomacy/business council for international understanding.
- Kostecki, Michel and Oliver Naray (2007), "Commercial Diplomacy and International Business", Netherlands Institute of International Relations "Clingendael", Discussion Paper.
- Kumar, nagesh, *et al* (1998), *Globalization, Foreign Direct Investment and Thecnology Transfer's Impacts on and Prospects for Developin Countries*, New York: routledge.
- Mercier, Elexander (2007), "Commercial Diplomacy in Advanced Industrial States: Canada, the UK and the USA", Netherlands Institute of International Relations "Clingendael", Discussion Paper.
- Miller, Terry, Holmes. Kim R. & Edwin J. Feulner (2012), "The Index of Economic Freedom", *The Heritage Foundation and the Wall Street Journal*, The concept and measurement of economic freedom.
- Moosa, Imad (2002), *Foreign Direct Investmen: Theory Evidnce and Practice*, New York: Palgrave.

- Moran. Theodore H. (1998), "Foreign Direct Investment and Development: The New Policy Agenda for Developing Countries and Economies in Transition", Washington, DC: Institute for International Economics.
- Nellis. Jhon (2012), "The International Experience with Privatization: its Rapid Rise, Partial Fall and Uncertain", the school of public policy research papers, Vol. 5, Issue 3.
- OECD Benchmark Definition of Direct Investment (2008), fourth edition. oecd.IN:
<http://www.oecd.org/daf/internationalinvestment/investmentstatisticsandanalysis/40193734.pdf>.
- OECD Report (2002), Foreign Direct Investment for Development Maximisin Benefits, Minimising Costs, OECD Publications Service.
- Porter, M. and C. Ketels (2007), Competitiveness at the Crossroads: Choosing the - Future Direction of the Russian Economy, IN:
http://www.isc.hbs.edu/pdf/Russia_Competitiveness_Crossroads_Dec2007.pdf
- Porter, M. and K. Schwab (2008), The Global Competitiveness Report 2008-2009, Geneva: World Economic Forum, Geneva, Switzerland, IN:
http://www.isc.hbs.edu/pdf/Russia_Competitiveness_Crossroads_Dec2007.pdf
- Roberts, James M. Hall, Joshua C. and Robert Lawson (2010), "The Index of Economic Freedom", Fraser Institute & Heritage foundations.
- Saner, Raymond and Lichia Yiu (2003), "International Economic Diplomacy: Mutations in Post Modern Times", Discussion Papers in Diplomacy Netherlands Institute of International Relations "Clingendael", Discussion Paper No. 84, January
www.clingendael.nl/cli/publ/diplomacy/pdf.
- Schwab, K. (2009), The Global Competitiveness Report 2009-2010, Geneva: World Economic Forum, Geneva, Switzerland, IN:
<https://members.weforum.org/pdf/GCR09/GCR20092010fullreport.pdf>.
- Schwab, K. (2010), The Global Competitiveness Report 2010-2011, Geneva: World Economic Forum, Geneva, Switzerland, IN:
http://www3.weforum.org/docs/WEF_GlobalCompetitivenessReport_2010-11.pdf.
- Schwab, K. (2011), The Global Competitiveness Report 2011-2012, Geneva: World Economic Forum, Geneva, Switzerland, IN:
http://www3.weforum.org/docs/WEF_GlobalCompetitivenessReport_2011-12.pdf.
- The World Bank (2007), Private sector in the economy, World Development Indicator, Washington, D.C, IN:
<http://siteresources.worldbank.org/DATASTATISTICS/Resources/table5-1.pdf>.

- The World Bank (2012), Doing Business in a More Transparent World: Economy Profile of Iran, Islamic REP, and Washington, DC. IN: <http://www.doingbusiness.org/>;
<http://www.doingbusiness.org/~media/fpdkm/doing%20business/documents/profiles/country/IRN.pdf>.
- The World Bank (2012), The Little Data Book on Private Sector Development, Washington, D.C, IN: <http://data.worldbank.org/data-catalog/world-development-indicators>.
- Watson, Adam. (1984), Diplomacy: The Dialogue between States, Eyre Methuen; Ltd. Web; site: www.ncpa.org/pub/st/st268 &